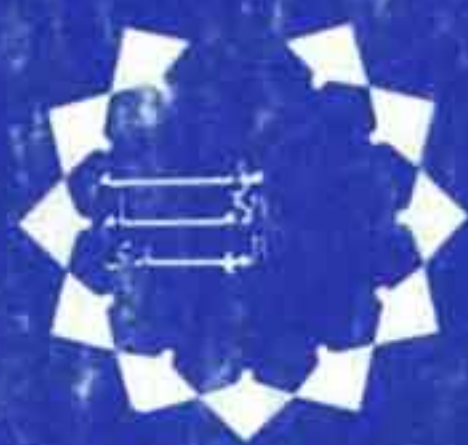


سیرة موجود قرآن

صادق حسینی شیرازی
ترجمہ : مؤسسہ الامام المہدی

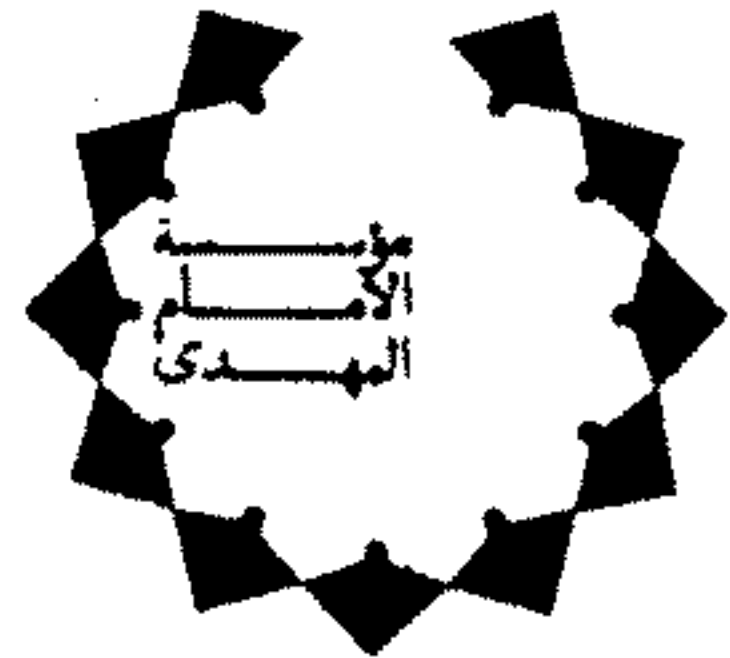


صاڢق حسینی شیرازی

مورورِ قرآن

ترجمه:

مؤسسه الامام المهدي



موعود قرآن

مؤلف: صادق حسینی شیرازی

مترجم: مؤسسه الامام المهدي

ناشر: مؤسسه الامام المهدي

تنظیم صفحات: برآبادی

سال طبع: ۱۳۶۰

مرکز بخش: واحد کتاب بنیاد بعثت — تهران خیابان سمیه بین مبارزان و فرصت تلفن ۸۲۱۱۵۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْعَصْرِ ادرکنی

مفاهیم و معتقدات اصیل اسلامی، لاجرم ریشه در کلام کریم الهی، قرآن مجید، باید داشته باشد. ولذا است که صورت کلی و مایه اساسی اندیشه مهدویت نیز— که همان حتمیت رسیدن نهایی جامعه بشری به عدالت، در تمامی ابعاد، و جای گرفتن نوع انسان در صراط عبودیت حق، می باشد— به روشنی در آیات الهی تجلی نموده است.

گذشته از این، آیات بسیاری نیز، توسط پیامبر اکرم و خلفای معصومش (ع)، در همین باب تأویل شده است و آشنایان با بطون قرآن پرده از آنها برگرفته اند، که در نتیجه مبتنی بودن بسیاری از جنبه های خاص این عقیده بر آیات قرآنی، نیز آشکار شده است.

دانشمندان شیعه از دیرباز، در ضمن کتب مربوطه، و گاهی نیز در نوشته هایی مستقل، اینگونه آیات را به همراه احادیث ذی ربط گردآورده اند؛ مرحوم شیخ علی یزدی حائری در مجموعه گرانقدر «إلزام الناصب» بیش از صد و سی آیه و علامه سید هاشم بحرانی— قدس سیره— در کتاب شریف «المحجة فی منازل فی القائم الحجة» صد و بیست آیه را ذکر کرده است، ولی قطعاً تعداد کل آیات، از این ها نیز بیشتر است.

در میان نوشته های اخیر، کتاب «المهدی فی القرآن» نیز عهده دار همین مهم گشته است، با این ویژگی که روایات برگزیده را— مستقیماً یا با واسطه— صرفاً از کتب اهل سنت نقل نموده است و شمار آیات آن به صد و پنج عدد می رسد.

امیدواریم نشر ترجمه این اثر، در استوارتر ساختن عقیده بنیانی مهدویت، در دل های معتقدان به ساحت اقدس حضرت صاحب الامر— عجل الله تعالی فرجه الشریف— مفید افتد، و آنان را در راه نصرت «موعود قرآن» و برافرازنده رایت عدل و ایمان در سراسر جهان، آماده تر و کوشاتر سازد.

... اللَّهُمَّ وَأَحْيِ بَوْلِيكَ الْقُرْآنَ وَأَرْنَا نُورَهُ سَرْمَدًا لِأَلَيْلٍ فِيهِ وَأَحْيِ بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ وَاشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعْرَةَ وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ وَأَقِمَّ بِهِ الْحُدُودَ الْمَعْطَلَةَ وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ...

مؤسسه الامام المهدي عج

ذيقعدة الحرام ۱۴۰۱— شهر يور ۱۳۶۰

«فهرست»

	سورة بقره		
	آية ٣: الذين يؤمنون...	٩	سورة انعام
	آية ٦٠: فانفجرت منه...	١٠	آية ٣١: حتى اذا جاءتهم...
	آية ١٢٤: واذا بتلى...	١٢	آية ٤٠: قل ارايتكم ان...
	آية ١٤٨: فاستبقوا الخيرات...	١٣	آية ٨٩: فان يكفربها...
	آية ١٥٥: ولنبلونكم بشئ...	١٤	آية ١١٥: وتمت كلمة ربك...
	آية ٢٦١: كمثل حبة انبتت...	١٥	آية ١٥٨: يوم يأتي بعض...
	آية ٢٨٥: امن الرسول بما...	١٦	
			سورة اعراف
			آية ١٤٨: ونادى اصحاب...
			آية ١٨٧: يسألونك عن...
			سورة انفال
			آية ٣٩: وقاتلوهم حتى...
			سورة نساء
	آية ٨٣: أفغير دين الله...	١٩	
	آية ١٤١: وليحص الله...	٢٠	
	آية ٢٠٠: يا ايها الذين امنوا...	٢٢	
			سورة توبه
	آية ٤٧: من قبل أن تطس...	٢٥	آية ١٦: ولم يتخذوا من دون...
	آية ٥٩: أطيعوا الله و...	٢٦	آية ٣٣: ليظهره على الدين...
	آية ٦٩: اولئك الذين انعم الله...	٢٧	آية ٣٦: ان عدة الشهور...
	آية ٨٣: ولوردوه إلى الرسول...	٢٨	آية ٣٦: وقاتلوا المشركين...
	آية ١٥٩: وإن من اهل الكتاب...	٢٩	
			سورة يونس
			آية ٢٠: فل إنما الغيب...
			سورة هود
			آية ٨: ولئن أخرنا...
			سورة مائده
	آية ١٢: وبعثنا منهم اثني عشر...	٣١	
	آية ١٤: ومن الذين قالوا...	٣٢	
	آية ٥٤: فسوف يأتي الله...	٣٣	

	سورة شعراء	٥٦	آية ٢١: اولئك الذين خسروا...
٨٧	آية ٤: إن نشأ ننزل...	٥٦	آية ٨٠: قال لو أن لي بكم...
	سورة نمل	٥٧	آية ٨٦: بقية الله خير لكم...
	سورة يوسف		
٨٩	آية ٨٢: واذا وقع القول...		
٩١	آية ٨٣: ويوم نحشر من كل...	٥٩	آية ١١٠: حتى إذا استبشس الرسل...
	سورة قصص:		
٩٣	آية ٥: ونريد أن نمن...	٦١	سورة ابراهيم (عليه السلام)
٩٤	آية ٦: ونمكن لهم في الارض...	٦٢	آية ٥: وذكرهم بأيام الله...
	سورة روم		آية ٢٤: كلمة طيبة كشجرة...
٩٥	آيات ٤ و ٥: ويومئذ يفرح...	٦٣	سورة حجر
٩٦	آية ٦: وعد الله لا يخلف وعده...		آيات ٣٦، ٣٧، ٣٨: قال رب فانظرنى..
	سورة سجده	٦٤	تكرار در قرآن
٩٧	آية ٢١: ولنديقنهم من العذاب...	٦٩	سورة اسراء (بنى اسرائيل)
٩٨	آية ٢٩: قل يوم الفتح...	٧٢	آيات ٥ و ٦: فاذا جاء وعد...
	سورة احزاب	٧٣	آية ١٣: وكل انسان الزمناء...
٩٩	آية ٣٣: انما يريد الله...		آية ٣٣: ومن قتل مظلوماً...
	سورة سباء	٧٥	سورة انبياء
١٠٣	آية ١٨: وجعلنا بينهم و...		آية ١٠٥: ولقد كتبنا...
١٠٤	آيات ٥٤ و ٥١: ولوترى إذ فرعوا...	٧٧	سورة حج
	سورة ص	٧٩	آية ٧: وإن الساعة...
١٠٧	آيات ٧٩ و ٨٠ و ٨١: قال رب فانظرنى..	٨٠	آية ٥٥: ولا يزال الذين كفروا...
١٠٨	آية ٨٨: ولتعلمن نبأه...	٨١	آية ٦٠: ومن عاقب بمثل...
	سورة زمر	٨٣	آية ٦٥: وعسك السماء...
١٠٩	آية ٥٦: أن تقول نفس...		آيات ٧٧ و ٧٨: يا ايها الذين امنوا اركعوا...
١١٠	آية ٦٩: واشرقت الارض...	٨٥	سورة نور
			آية ٥٥: وعد الله الذين امنوا...

سوره غافر (مؤمن)	سوره ذاريات
آية ٧: الذين يعملون...	آية ٢٣: فورب السماء و...
١١١	١٣٣
سوره فصلت	سوره قمر
آية ٥٣: سريهم آياتنا...	آية ١: اقتربت الساعة...
١١٣	١٣٥
سوره شوري	سوره رحمن
آية ١: حمسق...	آية ٤١: يعرف المجرمون...
١١٤	١٣٧
آية ١٧: وما يدريك...	سوره حديد
١١٦	سوره حديد
آية ١٨: ألا إن الذين يمارون...	آية ١٧: اعلموا أن الله يحيى...
١١٦	١٣٩
آية ٢٣: قل لا أسئلكم عليه اجراً...	سوره مجادله
١١٧	سوره مجادله
سوره زخرف	آية ٢٢: أولئك حزب الله...
آية ٦١: وآتاه لعلم للساعة...	١١٩
١٢٠	١٤١
آية ٦٦: هل ينظرون...	سوره صف
سوره دخان	آية ٩: هو الذي ارسل رسوله...
آيات ١٠ إلى ١٣: فاتق ب يوم تأتي...	١٤٣
١٢١	سوره تغابن
سوره جاثيه	آية ٨: فأمنوا بالله و...
آية ١٤: قل للذين امنوا...	١٤٥
١٢٣	سوره جن
سوره محمد (صلى الله عليه وآله)	آية ٢٤: حتى إذا رأوا...
آية ١٨: فهل ينظرون إلا الساعة...	١٤٧
١٢٥	سوره مدثر
سوره فتح	آيات ٨ إلى ١٠: فاذا نقر في الناقور...
آية ٢٥: لوتزيلوا لعذبنا...	١٤٩
١٢٩	سوره تكوير
آية ٢٨: هو الذي ارسل رسوله...	١٢٩
١٢٩	سوره بروج
سوره ق	آية ١: والسماء ذات البروج...
آيات ٤١ و ٤٢: واستمع يوم...	١٣١
١٣١	١٥٣
مصادر كتاب	١٥٤

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سپاس مرخدای عالمیان راست، و درود پیاپی بر محمد، بهترین خلق خدا باد، و براهل بیت پاک او، که خدا در قرآن دوستان ایشان را توصیه فرموده؛ آنانکه خداوند بهترین قرآن را درباره اوصاف آنان نازل فرموده است.

و درود بر آخرین وصی، بر پادارنده عدالت از ایشان، ولی عصر و صاحب الزمان، که درانتظار امر حق نشسته، و دولتش آرزوی بشریت است - امام مهدی - باد.

در این کتاب، ده ها آیه ای که در قرآن آمده و تفسیرش یا تأویلش، نزول آن، و یا تطبیق آن، بر مهدی موعود است، و یا تشبیهی درباره آنحضرت می باشد، جمع آورده ام. روایاتی که در تفسیر آیات نقل شده از کتابهای اهل سنت است و اگر گاهی از کتب شیعه نقل شده، مصدر آن کتابی از برادران اهل سنت بوده است.

در نقل روایت، به یکی بسنده کردم، تا مجالی برای فعالیت های علمی دیگران باشد و غرضم این است که دری به سوی حقیقت تفسیر آیه باز کرده باشم.

تعداد زیادی از روایات ذکر شده، از کتاب ارزشمند «ینابیع المودة» قندوزی حنفی می باشد و باقی از کتب متفرقه اهل سنت است. این خدمت را زمانی شروع نمودم که چهل و پنج روز از مرگ مادرم می گذشت و به یادبود روح آن یگانه مادر، این خدمت علمی - دینی را تقدیم می دارم، تا جزئی از حقوق بی کرانش را ادا کرده باشم. از خدای مهربان درخواست قبول این خدمت ناچیز را دارم و امیدوارم آنرا برای مادرم تحفه ای قرار دهد که روحش را شادمان سازد.

شب تولد امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به سال ۱۳۹۶ هجری قمری به جمع آوری این آیات پرداختم، که بر عمر آن امام همام، ۱۱۴۱ سال می گذرد.

صادق شیرازی

هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ

البقره/۲-۳

(قرآن) هدایتی است برای متقیان. آنانکه به غیب ایمان آورند

حافظ سلیمان قندوزی «حنفی» در کتاب ینابیع المودّة— به اسناد یاد شده اش^۱— از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است که گوید:

جندل بن جنادة بن جبیر یهودی، نزد رسول خدا (ص) آمد [و پس از دریافت پاسخ سوالی که مطرح نمود، اسلام آورد] و سپس از آن حضرت درباره اوصیای ایشان پرسید. پس پیامبر (ص) در جواب او آنانرا برشمرد، تا اینکه فرمود:

«... پس بعد از او [یعنی امام حسن عسکری سلام الله علیه]

۱. اسناد رسانیدن حدیث است به گوینده اصلی آن، بنقل هر طبقه از راویان برای طبقه بعدی (کاظم مدیرشانه چی، درایة الحدیث)

فرزندش محمد است، که به مهدی، قائم، و حجت خوانده می شود او غیبت و پنهانی گزینند، سپس خروج کند. پس آنگاه که خروج (قیام) نماید، زمین را همانگونه که پر از جور و ستم شده است، از عدل و داد آکنده سازد. خوشا به حال صبرپیشگان و شکیبایان در دوران غیبت او. خوشا به حال پایداران بر محبت ایشان [یعنی حضرت مهدی و سایر ائمه علیهم السلام] آنانند کسانی که خداوند در کتاب خویش وصفشان نموده، فرموده است: «هدی للمتقین، الذین یومنون بالغیب» - تا پایان حدیث -^۲

مؤلف: مقصود اینست که «متقین» همان مومنان به امام مهدی علیه السلام می باشند و «غیب» خود آنحضرت می باشد. چرا که غیب آنچیزی است که از حواس پنجگانه پنهان باشد و همانطور که خداوند غیب محسوب می شود - بدین دلیل که با حواس پنجگانه درک نمی شود - و نیز آخرت غیب است - به سبب پنهان بودنش از حواس - به همین گونه امام مهدی علیه السلام نیز غیب است. چرا که آنحضرت در زمان غیبت با رؤیتی عمومی - که بواسطه آن شناخته شود - دیده نمی شود. [یعنی یا کسی ایشان را نمی بیند و یا اگر ببینند هم نمی شناسد و فقط عده ای محدود به زیارت ایشان مشرف می شوند]

فانفجرت منه اثنتا عشرة عیناً

البقره/۶۰

پس برجوشید از آن، دوازده چشمه

علامه کبیر، سید هاشم بحرانی، در کتاب خویش غایه -

المرام، از فقیه ابوالحسن بن شاذان^۳ در «المناقب المائة من طریق العامه» (مناقب صد گانه از طرق عامه) با حذف سند، از ابن عباس روایت نموده است که:

از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود [حدیثی طولانی را آغاز می کند که در بخشی از آن آمده است]:

«هرآنکه اقتدا و پیروی از من مسرورش سازد، پس باید ولایت [محبت، اطاعت و سرپرستی] علی بن ابی طالب و امامان از نسل من را پذیرا گردد، که آنان خزینه داران و نگاهداران علم منند.» در این هنگام جابر بن عبدالله انصاری برخاسته، عرض کرد: ای رسول خدا، تعداد امامان چند است؟ فرمود:

«ای جابر، خداوند ترا رحمت کند، مرا از اسلام به تمامی آن پرسیدی— تا آنجا که فرمود:— و آنان به تعداد چشمه هایی هستند که برای موسی بن عمران، جوشیدن گرفتند، آنگاه که با عصای خویش بر سنگ زد و از آن دوازده چشمه برجوشیدند.^۴ مولف: از آنجا که پیامبر اکرم (ص) آن کسی است که ائمه دوازده گانه را به چشمه هایی که یاد آن در قرآن نازل شده، تشبیه فرموده است، پس این آیه را به پیروی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در اینجا ذکر نمودیم.

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ

۳. شیخ فقیه، ابوالحسن محمد بن احمد بن علی بن حسن بن شاذان، معروف به «ابن شاذان» معاصر شیخ مفید، صاحب کتاب ایضاح دفائن النواصب، که در آن صد منقبت است و مشهور است به مائة مناقب (نجم ثاقب/۳۳۷ — مترجم)

۴. غایة المرام/۲۴۴

و آن هنگام که ابراهیم را پروردگارش به کلماتی بیازمود، پس آنها را به انجام رساند.

قندوزی حنفی [به اسناد یاد شده اش] از مفضل بن عمر روایت کرده است که: از امام جعفر صادق (سلام الله علیه) در باره قول خدای عزوجل: «واذابتلی...» — تا آخر آیه — پرسش نمودم، فرمود: این همان کلماتی است که آدم از پروردگار خویش دریافت (خداوند به او القا نمود) پس (حضرت آدم علیه السلام توسط آن کلمات به پیشگاه خدای توبه نمود و پروردگار) توبه اش را پذیرفت و چنین بود که (آدم) عرض کرد: «یارب أسألك بحق محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسين الأتبت علی» (یعنی: ای پروردگارم، از تو میخواهم که بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین، توبه مرا بپذیری) «فتاب علیه إنه هوالتواب الرحیم» (پس خداوند توبه اش را پذیرفت، که همانا او بسیار توبه پذیر و رحیم است — سوره بقره/۳۷)

(مفضل گوید:) پس گفتم: ای فرزند رسول خدای (صلی الله علیه و آله) پس مقصود از «فأتمهن» چیست؟ فرمود: مقصود اینست که آنها را تا قائم مهدی به اتمام رساند و دوازده امام را، که نه تن از آنان از [نسل و فرزندان] حسین اند، ذکر نمود.^۵

مؤلف: ابتلا به معنی امتحان و اختبار است و معنی حدیث این است که خداوند متعال پیامبر خلیل خود حضرت ابراهیم علیه السلام را آزمایش نمود و او را با آسمای رسول الله و ائمه اثنی عشر امتحان فرمود. و اما اینکه حقیقت آزمون چه بوده است، آیه کریمه در مورد آن سخنی نگفته، و لکن احادیث شریفه آنرا روشن نموده اند [و

در آنها چنین آمده است که [آن امتحان خضوع در برابر افضلیت و برتری آنان [رسول خدا و اهل بیت او] و اعتقاد به متابعت او (یعنی حضرت ابراهیم ع) از ایشان بوده است.

فاستبقوا الخیرات اینما تکنونوا یا تیکم الله جمیعاً

البقره/۱۴۸

: پس بشتابید به سوی نیکیها و خیرات، هر کجا باشید خداوند همگی شما را می آورد.

حافظ قندوزی (حنفی)، باسناد مذکورش روایت نموده، گوید: از امام جعفر صادق [سلام الله علیه] در باره قول خدای عزوجل «فاستبقوا الخیرات اینما تکنونوا یا تیکم الله جمیعاً» نقل شده است که فرمود: مقصود سیصد و ده و اندی نفر اصحاب «قائم» هستند و به خدا قسم آنهاوند «الامة المعدودة» (امت شمرده شده)، در آن واحد مانند ابرهای پراکنده پائیزی [نزد آن حضرت] گرد می آیند.^۶

مؤلف: مقصود از «امة معدودة» آنست که در قرآن کریم ذکر شده: «ولئن أخرنا عنهم العذاب إلى أمة معدودة ليقولن ما یحبسن»

«یحبسن» [و اگر بتاخیر اندازیم از ایشان عذاب را تا امتی شمرده شده، هرآینه گویند: چه چیز آنرا باز می دارد؟] بزودی تفسیر این آیه به آنچه در این حدیث ذکر شد، در سوره هود— إن شاء الله تعالی— خواهد آمد.

و در احادیث شریفه مطالبی آمده است که این آیه کریمه را به تفصیل، تفسیر می نماید، و خلاصه آن چنین است: گروه اول و پیش آهنگان از اصحاب امام مهدی علیه السلام - که تعدادشان مانند اصحاب بدر ۳۱۳ نفر است - در آن واحد، به قدرت خدای متعال در ابتدای ظهور آنحضرت علیه السلام به ایشان ملحق میشوند، با اینکه آنحضرت هنوز در مکه است و آن [یاران خاص] در اکناف زمین و اطراف شهرها می باشند. [و این امر هیچگونه استبعادی ندارد] مانند داستان «تخت بلقیس» که در قرآن کریم نقل شده است و آصف بن برخیا - وصی حضرت سلیمان نبی (ع) - آنرا در کمتر از یک لحظه از یمن به بیت المقدس آورد.

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالْأَمْوَالِ وَبِشْرِ الصَّابِرِينَ

البقره/ ۱۵۵

: و هرآینه شما را بچیزی ترس و گرسنگی و کاهشی از مالها و جانها و ثمرات بیازمائیم. و مؤرده ده صبر کنندگان را.

حافظ قندوزی (حنفی) با اسناد مذکورش، در مورد قول خداوند متعال در سوره بقره: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبِشْرِ الصَّابِرِينَ» - تا انتهای آن - روایت کرده، گوید: از محمد بن مسلم، از [امام] جعفر صادق [سلام الله علیه] نقل شده است که فرمود:

بدرستی که پیش از [قیام] «قائم»، برای امتحان مؤمنین از سوی خدا، علامات هست. [محمد بن مسلم:] گفتم: آن علامتها چیست؟ فرمود: این آیه: «همانا بیازمائیم شما را بچیزی از خوف و ترس» با آنچه می بینند از گرفتاریها «و گرسنگی» به واسطه بالا

رفتن نرخها «ونقصی از اموال» بواسطه قحطی و «جانها» بواسطه مرگ و میر آشکار و ناگهانی و «ثمرات» به جهت نباریدن باران «ومژده ده صبرکنندگان را» در آن هنگام و موقعیت، سپس فرمود: ای محمد، این تأویل آن آیه است «وما یعلم تأویله إلا الله و الراسخون فی العلم» [ونمیدانید تأویل آنرا مگر خدای و راسخان در علم آل عمران-۷] و مائیم راسخان و فرورفتگان در علم.^۷

گمّثلی حَبَّةٍ اُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِی کُلِّ سُنْبَلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ

البقره / ۲۶۱

: مانند دانه‌ای است که برو یاند هفت خوشه، و در هر خوشه صد دانه باشد.

دانشمند «شافعی» جمال الدین مقدسی سلمی دمشقی در کتاب خویش «عقد الدرر» - به سند مذکورش - از حضرت علی بن ابیطالب [سلام الله علیه] در وصف امام مهدی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

پس مهدی [عجل الله تعالی فرجه] اصحاب و مأمورانش را در شهرهای دیگر پیغام فرستد که میان مردم عدل پیشه کنند - تا آنجا که می‌فرماید:

«شر و فساد ریشه کن و خیر و صلاح جایگزین آن می‌شود»
 «یک مد [یعنی ده سیر] تخم کاشته میشود و هفتصد مد برداشت میشود - همانگونه که خداوند متعال فرموده است -».^۸
 مؤلف... این اشاره‌ای است به اینکه، این آیه کریمه در شأن

۷. ینابیع الموده / ۵۰۵

۸. عقد الدرر / ۲۵۹

عصر و دوران امام مهدی — علیه السلام — نازل شده است. و این سخن بنوبه خود ظاهر است در انحصار این مطلب به زمان امام — ع — چرا که حدیث در صدد بیان اوضاع و احوال و علامات آن عصر درخشان و نورانی است. و امام علی امیر المؤمنین — علیه السلام — بحقایق و مقاصد قرآن آشنا تر است، و رسول خدا — ص — در روایتی که انس نقل کرده است فرموده اند: «علی، پس از من آنچه را مردم از تأویل قرآن نمی دانند، بدانان می آموزد»

أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنَ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ
وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ.

البقره / ۲۸۵

: رسول به آنچه به او از سوی پروردگارش نازل شده است ایمان آورده است و مؤمنان همگی به خدا و ملائکه و کتابها و رسولان خداوند ایمان آورده اند.

فقیه شافعی محمد بن ابراهیم «حموینی» در کتاب خویش فرائد السمطين و همچنين فقيه حنفی موفق بن احمد خوارزمی در مقتل خود باسندهای متعدد مذکورش، از ابی سلمی شتربان رسول خدا — صلی الله علیه و آله — نقل کرده اند که گفت: از رسول خدا [صلی الله علیه و آله] شنیدم که می فرماید:

در شبی که به سوی آسمان سیر داده شدم [شب معراج]، خداوند جلیل، جلّ جلاله، مرا گفت: «امن الرسول بما انزل الیه من ربّه» عرض کردم: «والمؤمنون» [یعنی مومنان نیز همچون رسول ایمان آورده اند] فرمود: «راست گفתי ای محمد» [صلی الله علیه و آله]، فرمود: چه کسی را میان امت خویش جانشین قراردادی؟ عرض کردم: «بهترین آنها را» فرمود: «علی بن ابیطالب را؟»

عرض کردم: «بلی ای پروردگار من» فرمود: «ای محمد [صلی الله علیه و آله] نظری بر روی زمین افکندم و از آن ترا برگزیدم و برای تو نامی از نامهای خود مشتق نمودم و در هیچ جا یاد نخواهم شد مگر اینکه تو هم با من یادشوی، پس من هستم محمود و تویی محمد [صلی الله علیه و آله]، سپس دوباره نظری بر زمین افکندم و از آن علی را اختیار نمودم و برای او نامی از نامهای خود رامشتق کردم، پس منم اعلی و اوست علی «ای محمد» [صلی الله علیه و آله] همانا من، تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان او را [سلام الله علیهم اجمعین] از شبخ نور خویش آفریدم، و ولایت شما را به اهل آسمان و زمین عرض کردم، پس هر آنکه آنرا پذیرا گشت، نزد من از مومنان باشد و هر که آنرا انکار کرد، نزد من از کافران شد. «ای محمد» [صلی الله علیه و آله] اگر بنده ای از بندگانم مرا آنقدر عبادت کند، تا همچون مشک کهنه خشک شده گردد، و سپس در حالی نزد من بیاید که منکر ولایت شما باشد، او را نخواهم آمرزید تا به ولایت شما اقرار کرده، گردن نهد. «ای محمد [صلی الله علیه و آله] آیا دوست داری آنانرا ببینی؟» عرض کردم: «آری ای پروردگارم» پس فرمود: «به سمت راست عرش روی کن» پس روی بدانسو کردم و ناگهان علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و مهدی را [صلوات الله علیهم اجمعین] در کانونی از نور، بنماز ایستاده دیدم، در حالیکه او— یعنی مهدی [سلام الله علیه]— مانند ستاره ای درخشان در وسط آنان بود. و [خدای] فرمود: «ای محمد» [صلی الله علیه و آله] اینان حجت ها [ی الهی] هستند و او [یعنی حضرت

مهدی، عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ [قیام کننده عترت تو است. قسم به عزتتم و جلالم که اوست قبله گاه واجب برای اولیای من (که باید بسوی او روی آورند) و انتقام گیرنده از دشمنانم]»^۹

[مؤلف در اینجا به توضیح مختصر چند لغت و عبارت حدیث پرداخته که با توجه به ترجمه شدن خود حدیث نیازی به ذکر آنها نیست]

۹. فرائد السمطين / ۲ / انتهای آن، ومقتل الحسين (ع) / ۱ / ۹۵.

سورة آل عمران

أَفْغِيرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
طَوْعاً وَكَرْهاً وَالِيهِ يُرْجَعُونَ

آل عمران/۸۳

:آیا جز دین خدا را جویند، در حالیکه هر آنکه در آسمانها و زمین است
طوعاً و کرهاً برای او اسلام آورده است و به سوی او باز گردانده میشوند.

حافظ قندوزی «حنفی» با اسناد مذکورش روایت کرده
گوید: از [امام] جعفر صادق [سلام الله علیه] در مورد قول خدای
متعال «وله اسلم من فی السموات والارض طوعاً و کرها» [نقل شده
است] که می فرماید: هنگامیکه «قائم مهدی» قیام کند هیچ
نقطه ای از زمین نمی ماند، مگر اینکه شهادت به اینکه خدایی نیست
مگر الله، و محمد [صلی الله علیه و آله] رسول خداست، در آنجا ندا
داده میشود.^۱

مؤلف: مقصود اینست که این آیه کریمه اشاره به دوران

«مهدی» منتظر— علیه السلام— است. زیرا در زمان اوست که— بعلت اینکه همه اهل زمین تسلیم خدا شده و در پیشگاه او خاضع گشته اند— در تمامی روی زمین حکومت از آن خداست. و این حالت تا به امروز نه در زمان انبیای گذشته و نه در دوران رسول خدا— صلی الله علیه و آله وسلم— و نه در اعصار پس از وی، تحقق نیافته است که هر کس روی زمین است، «از روی میل و اراده یا به اکراه» تسلیم خدا گشته و خاضع در برابر دین خدا باشد.

وَلِيُمَخِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ
آل عمران/ ۱۴۱

و برای اینکه خداوند آنانرا که ایمان آورده اند تصفیه نماید و کافران را نابود و محو سازد.

فقیه شافعی «حموینی» به اسناد مذکورش از سعید بن جبیر از ابن عباس (رضی الله عنهما) نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمود:

«بدرستی که علی وصی من است و از فرزندان اوست «قائم» منتظر که توسط او زمین مالا مال از عدل و قسط خواهد شد، همانگونه که [قبل از قیام او] پر از جور و ظلم گشته است. قسم به کسی که مرا بحق مبعوث کرده تا [نیکان را] بشارت دهنده و [بدکاران را] بیم دهنده باشم، هر آینه ثابت قدمان در اعتقاد به امامت او در دوران غیبتش، از کبریت احمر گرانقدرترند— یا کمیاب ترند—»

در این هنگام جابر بن عبدالله انصاری بسوی آنحضرت برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا، مگر برای قائم از فرزندان

عیبتی خواهد بود؟ رسول خدا (ص) فرمود:
 آری، قسم پیرورد گارم «تا خداوند آنانرا که ایمان آورده‌اند
 تصفیه کند و کافران را محو و نابود سازد» ای جابر، براستی که این
 امری است از امور خدایی و سری است از اسرار الهی، از رازهایی
 است که علت آن از بندگان خدا پنهان و پوشیده است. پس بر حذر
 باش از شک و تردید، که همانا شک در امر خدای عزوجل کفر
 است^۲

مؤلف: از کسان دیگری که این حدیث را نقل کرده‌اند، ابن
 خلدون است^۳ و همچنین دانشمند، حافظ نورالدین علی بن ابی بکر
 هیشمی، آنرا در کتاب مجمع الفوائد و منبع الفوائد^۴ آورده است.
 و اما «کبریت احمر»؛ از معانی آن طلای سرخ - یعنی

خالص - است و مقصود اینست که مؤمن به امام مهدی - علیه
 السلام - در ایام غیبت آنحضرت نایاب تر از طلای خالص است و
 جهت تشبیه این است که طلای ناب کمیاب است، زیرا طلا
 غالباً - طبیعی باشد یا مصنوعی - با غیر خود مانند مس، مس زرد،
 نیکل، یا غیر آنها، آمیخته است و مومن [حقیقی] به امام مهدی - علیه
 السلام - کمیاب تر از طلای ناب می باشد. و در این حدیث دلیلی
 است بر اینکه سبب «غیبت» امام - علیه السلام - آزمودن مردم و
 تمحیص و تصفیه مومن خالص، و کافر و مؤمن ناخالص می باشد،
 [بدین ترتیب که] «کافر» به اما مضمحل و نابود می شود و مؤمن
 ناخالص بهنگام طولانی شدن دوران غیبت امام مهدی، آنحضرت را

۲. فرائد السمطين / ۲ / انتهای آن.

۳. مقدمه ابن خلدون / ۲۶۹

۴. ج ۷ / ۳۱۷

انکار می کند و حدیث رسول (ص) بر او منطبق میشود که فرمود: «من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد»^۵ و مومن ناخالص، بر اعتقاد به امامت آنحضرت— هر اندازه که غیبت طولانی گردد— استوار باقی میماند.

و اما گفتار آن حضرت (ص): «همانا این امر»، ظاهراً مقصود از آن [یعنی مراد از امر] وقت ظهور امام— علیه السلام— می باشد. و گفتار آن حضرت: «و بر حذر باش از شک» بدین مفهوم است که آنزمان که غیبت بدرازا کشد در امام تردید بخود راه مدهید، و نگویید: «اگر وجود داشت ظهور می کرد» که این سخن کفر است— همانطور که قبلاً حدیث پیامبر اکرم را [در این زمینه] آوردیم.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

آل عمران/۲۰۰

ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و مقاومت ورزید و مرابطه کنید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.

حافظ قندوزی «حنفی» [به اسناد خویش] از [امام] محمد باقر [سلام الله علیه] در باره قول خداوند متعال «یا ایها الذین امنوا اصبروا وصابروا و رابطوا» روایت کرده است که فرمود: شکبیا باشید بر ادای فرائض و واجبات، و در برابر آزار دشمنانتان استقامت ورزید و با امامتان مهدی منتظر مرابطه نمائید.^۶

۵. ینابیع الموده/ ۴۴۷: یعنی هر کس قیام مهدی را انکار کند، پس به آنچه بر محمد [صلی الله علیه وآله] نازل شده است، کافر گردیده است.

۶. ینابیع الموده/ ۵۰۶

مؤلف: یعنی خودتانرا [یا جانهایتانرا] به امام مهدی علیه السلام محکم ببندید، و روح خویش را با او پیوند دهید. کنایه است از استواری اعتقاد به آنحضرت و آهنگ باختن هستی خویش در راه او، و جهاد در پیشگاه حضرتش — با میل و رضا و بدون اکراه و اجبار نمودن.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِنَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ، مِنْ
 قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا

النساء/۴۷

ای آنانکه کتاب را داده شده‌اید، ایمان بیاورید به آنچه فرو فرستادیم،
 تصدیق کننده آنچه باشماست، پیش از آنکه رویهای را بازگون کنیم و
 بر پشت هایشان برگردانیم.

حافظ قندوزی «حنفی» [به اسناد خویش] از [امام]
 محمد باقر [سلام الله علیه] در باره قول خداوند متعال «یا ایها الذین
 اوتوا الكتاب امنوا بما نزلنا مصدقا لما معکم، من قبل ان نطمس وجوهاً
 فنردها علی ادبارها» روایت کرده است که فرمود: از سپاه سفیانی
 که در خسف بیداء^۱ هلاک شده‌اند، جز سه تن، که خداوند
 چهره‌های آنانرا به پشت می گرداند، کسی رهایی نیابد. و این
 بهنگام قیام «قائم مهدی» [روی خواهد داد]^۲

۱. «بیداء» یعنی بیابانی که چیزی در آن نباشد و نام سرزمین مخصوصی است میان مکه و مدینه که
 لشکر سفیانی را فرو برده و هلاک می کند. (مترجم)

۲. ینابیع المودة/۵۰۶

مؤلف: این، تأویل آیه به سفیانی و سپاه اوست، و تفسیر این آیه در مورد آن کسانی می باشد که به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) ایمان نیاورده اند، و منافاتی در این دو [گونه] معنی نیست، چرا که قرآن را تفسیری است و تأویلی و ظاهری است و باطنی، همانگونه که آیات قرآنی و احادیث شریفه بر این حقیقت دلالت دارند.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ

منكم

النساء/ ۵۹

ای آنانکه ایمان آورده اید، خدای را فرمان برید و از رسول و صاحبان امر خویش اطاعت کنید.

علامه بحرانی، از عالم شافعی ابراهیم بن محمد حموینی [به اسناد مذکورش] از سلیم بن قیس هلالی - در حدیث مفصل مناشده^۳ - نقل می کند که علی [علیه السلام] بیش از ۲۰۰ تن از صحابه و تابعین را، در ایام عهد عثمان بن عفان، سوگند داد. پس در قسمتی از آنچه برای ایشان گفت فرمود:

شما را بخدا سوگند میدهم، آیا می دانید آنزمان که نازل شد: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم»، مردم گفتند: آیا این آیه مخصوص بعضی از مؤمنان است، یا همگی آنانرا شامل میشود؟، پس خدا پیامبرش [صلی الله علیه وآله وسلم] را فرمان داد که اولیای امرشان را به ایشان بشناساند و همچنانکه نماز و روزه و حج را برای آنان تفسیر نموده است، ولایت را نیز برایشان تفسیر کند - تا آنجا که فرماید:

۳. مناشده یعنی سوگند دادن و این حدیث بجهت اینکه شامل چند گونه قسم دادن میشود، بدین نام خوانده شده است. (مترجم)

[رسول خدا (ص)] فرمود: [اولیای امر اینانند:] علی، برادرم و وزیرم [یعنی پشتیبان و یارم] و وارثم و وصی ام و خلیفه ام در امتم، که ولی هر مومنی است پس از من، سپس فرزندانم حسن؛ سپس حسین، سپس ۹ تن از فرزندان حسین، یکی پس از دیگری. قرآن با ایشان است و ایشان با قرآنند، از آن جدایی و دوری نگیرند و قرآن نیز از آنان جدا نگردد، تا آنکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند [نزد من آیند]»، پس [در این هنگام آنانکه حضرت امیرالمؤمنین، سلام الله علیه، سوگندشان داده بود] همگی گفتند: آری، این را [حدیث را از رسول خدا (ص)] همانگونه که تو گفتی شنیده ایم و شاهد بوده ایم.^۴

مؤلف: پس مقصود از «اولی الامر»، ائمه دوازده گانه علیهم السلام هستند، که آخرین ایشان مهدی منتظر — علیه السلام — می باشد.

الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ
وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا

النساء/۶۹

آنانکه نعمت نهاد خداوند بر آنها، از انبیا و صدیقان و شهدا و صالحان، و آنان خوب رفیقانی هستند.

حافظ حسکانی «حنفی» گوید: ابوالعباس فرغانی [به سند مذکورش] از حذیفه بن الیمان برای ما روایت نمود که: روزی نزد پیامبر [اکرم، صلی الله علیه وآله] آمدم و این آیه نازل گشته بود: «الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» پس آنحضرت این آیه را بر من

خوانند، عرض کردم: ای پیامبر خدا، پدر و مادرم فدایت باد اینها چه کسانی هستند؟ که می بینم خدا آنانرا بسیار مدح و ثنا گفته است. فرمود:

ای حذیفه من «از انبیا» هستم، که خدا برایشان انعام فرموده است، من اولین ایشانم از حیث [رتبه] نبوت و آخرین آنان از جهت برانگیخته شدن، و از «صدیقان» است علی بن ابیطالب، و آنهنگام که خداوند عزوجل مرا برسالت خویش برانگیخت، [علی علیه السلام] اولین فردی بود که مرا تصدیق نمود [برسالت من ایمان آورد]، سپس از «شهدا» است حمزة [بن عبدالمطلب] و جعفر [بن ابیطالب] و از «صالحین» هستند، حسن و حسین، دوسرور جوانان اهل بهشت، و خوب رفیقانی هستند آنان» [یعنی برای حضرت] مهدی در زمان خود.^۵

مؤلف: یعنی در زمان رجعت آنحضرت که زمین پس از آنکه پراز ظلم و جور شده است، مملو از عدل و قسط گردد. پس آنان در زمان رجعت گردهم آیند و دنیایی از نیکان و صالحان و اولیا بوجود می آید.

وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى الْأُمْرِمِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ

مِنْهُمْ

النساء/۸۳

و اگر آن (کار را) به خدا و رسول و اولی الامر خویش، باز می گردانیدند، همانا کسانی که از ایشان آنرا استنباط می کردند، آنرا می دانستند.

حافظ قندوزی «حنفی» [به اسناد خویش] از ابن معاویه،

از [حضرت امام] محمد باقر [سلام الله علیه] روایت کند که آنحضرت در حدیثی فرمود:

«و [خداوند] عزوجل فرمود: «ولوردوه الی الرسول و الی اولی الامر منهم لعلمه الذین یتنبطونه منهم»، پس کار مردم را به اولی الامر از ایشان ارجاع داده است، کسانی که اطاعت ایشان و رجوع به آنانرا [خداوند] به مردم فرمان داده است» و از [امام] صادق، جعفر بن محمد [علیهما السلام] در تفسیر «اولی الامر» در حدیثی نقل شده است که فرمود:

پس [ولی امر] علی بود، سپس بعد از آنحضرت حسن [ولی امر] گشت، سپس حسین، سپس بعد از آنحضرت علی بن الحسین، سپس بعد از آنحضرت محمد بن علی، و این امر همچنان ادامه خواهد یافت، (زیرا) زمین جز با وجود امام صلاح نیابد^۶ (یعنی صلاحیت زندگی نیابد و یا بطور کلی امور آن مختل شود. مترجم)

مؤلف: این حدیث دلیل است بر اینکه امروز نیز امام وجود دارد، و آن امام جز حضرت امام مهدی علیه السلام نمی باشد. پس آیه کریمه در شأن امام مهدی و پدران بزرگوارش — علیهم السلام — می باشد.

وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا

النساء/ ۱۵۹

و نیست از اهل کتاب مگر آنکه قبل از مرگش به او ایمان آورد و روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود...

حافظ قندوزی «حنفی» در مورد قول خداوند متعال: «وان

من اهل الكتاب إلا ليومننن به قبل موته و يوم القيامة يكون عليهم

شهِیداً» از [حضرت امام] محمد باقر [سلام الله علیه] روایت کرده است که فرمود: همانا عیسیٰ (علیه السلام) پیش از روز رستاخیز بدنیا فرود می‌آید، پس پیروان هیچ دینی — نه یهودی و نه غیر آن — باقی نمانند مگر اینکه پیش از مرگ، به او [یعنی حضرت مهدی] ایمان می‌آورند و عیسیٰ پشت مهدی نماز بجای آورد.^۷

و مانند این حدیث را علامه مالکی؛ ابن صباغ^۸ و نیز کسانی غیر از او روایت کرده‌اند.

مؤلف: مقصود اینست که عیسیٰ بن مریم پیش از قیامت، بهنگام ظهور امام مهدی علیه السلام [از آسمان] فرود می‌آید و پشت سر آنحضرت نماز گزارده [به ایشان اقتدا می‌نماید]، در نتیجه نصاری — بجهت اقتدای عیسیٰ به امام مهدی علیه السلام در نماز، به آنحضرت ایمان می‌آورند. و یهود نیز به امام مهدی علیه السلام می‌گروند، چرا که آنحضرت الواح تورات را — که در آنها علامات مهدی و نشانه‌های رهبری کننده به سوی او موجود است — از «فلسطین» بیرون می‌آورد. و همچنین پیروان سایر ادیان نیز — به سبب معجزاتی نظیر آن — به ایشان ایمان خواهند آورد.

پس در تأویل این قسمت از آیه: «لیؤمنن به» (همانا به او ایمان آورد) ضمیر [غایب مفرد] به امام مهدی علیه السلام باز می‌گردد.

۷. ینابیع الموده/ ۵۰۶

۸. الفصول المهمه/ باب دوازدهم.

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا

المائدة/۱۲

و همانا خداوند پیمان بنی اسرائیل را برگرفت و از ایشان دوازده نقیب (سرکرده و پیشوا) را برانگیخت.

علامه بحرانی، در «غایة المرام» از ابوالحسن فقیه محمد بن علی بن شاذان در کتاب «المناقب المائة من طریق العامة» به حذف اسناد روایت کرده است که آنها [اهل سنت] از ابن عباس نقل کرده اند که گفته است: از رسول خدا [صلی الله علیه وآله] شنیدم که [در حدیثی] فرمود:

«هر کس دوست دارد از من اقتدا و پیروی نماید، پس باید ولایت علی بن ابی طالب و امامان از ذریه من را پذیرا گردد، که آنان خزینه داران و نگاهداران علم من هستند».

در این هنگام جابر بن عبدالله انصاری برخاسته، عرض کرد: ای رسول خدا، تعداد امامان چند است؟ فرمود: ای جابر تعداد آنان [تا آنجا که فرمود:] به تعداد نقبای بنی اسرائیل است، خداوند

متعال فرمود: «ولقد اخذ الله ميثاق بني اسرائيل، وبعثنا منهم اثني عشر نقيباً» پس ائمه، ای جابر، دوازده امام باشند، اولین آنها علی بن ابی طالب است و آخرین آنان «قائم»^۱

مؤلف: چون پیامبر (ص) در مقام بر شمردن ائمه علیهم السلام این آیه را بجهت گواهی گرفتن از آن تلاوت فرمودند، بنا بر این تاویل آیه کریمه به آنان— علیهم السلام— می باشد. و بدین جهت بود که این آیه را در اینجا ذکر نمودیم.

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا
ذُكِّرُوا بِهِ

المائدة/۱۴

و از آنانکه گفتند: ما نصارائیم، میثاقشان را برگرفتیم، پس بخشی از آنچه را بدان یادآوری شده بودند، فراموش کردند (رها کردند)

دانشمند حنفی، حافظ سلیمان «قندوزی» [به اسناد خویش] از ابی ربیع شامی از [حضرت امام] جعفر صادق [سلام الله علیه] در باره قول خداوند متعال در سوره مائده: «ومن الذين قالوا انانصاري اخذنا ميثاقهم فنسوا حظاً مما ذكروا به»

چنین روایت کرده است که فرمود: بزودی آن بخش را بیاد خواهند آورد و جماعتی از آنان با «قائم» خروج خواهند نمود.^۲
مؤلف: مقصود اینست که آن بخش که خداوند میثاقش را از آنها گرفته و نصاری آنرا فراموش کرده اند، همان ایمان به حضرت

۱. غاية المرام/۲۴۴

۲. منابع المودة/۵۰۶

مهدی علیه السلام است و نصاریٰ بجهت پیروی عیسی بن مریم (ع) از اسلام و اقتدای او به حضرت مهدی در نماز، در زمان ظهور، این بخش را به یاد آورده، به اسلام باز می گردند.

و ممکن است مقصود از «عصا به منهم» [جماعتی از ایشان] تمام نصارای موجود در عهد امام مهدی باشند [یعنی ضمیر «ایشان» شامل نصارای جهان در طول زمان باشد، نه در مقطعی که امام علیه السلام ظهور فرموده است] چرا که در احادیث، ایمان تمامی نصاریٰ به امام مهدی [علیه السلام] وارد شده است، نه جماعتی خاص از میان موجودین آنها در آن زمان.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ
بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ، أَذَلَّتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، أَعِزَّةٌ عَلَى
الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ، ذَلِكَ
فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

المائدة/۵۴

ای کسانی که ایمان آورده اید، هر که از شما از دین خویش مرتد شود (به خدا زیانی نرساند) پس بزودی خداوند گروهی را آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند، بر مومنان فروتن اند، بر کافران سخت و گرانند. در راه خدا مجاهده می کنند و از ملامت نکوهشگر باک ندارند. این فضل خداست به هر که خواهد آنرا عطا کند و خداوند بخشنده و دانا است. (به امداد تفسیر صافی)

حافظ قندوزی «حنفی» از سلیمان بن هارون عجلای روایت کرده است که گفت: از [حضرت امام] جعفر صادق [سلام الله علیه] شنیدم که می فرماید:

همانا صاحب این امر — یعنی قائم مهدی — محفوظ است و

اگر تمامی مردم از میان روند، خداوند اصحاب او را خواهد آورد^۳ و آنانند که خداوند در باره ایشان گفته است:

«یا ایها الذین امنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقومٍ یحبهم و یحبونه؛ اذلة علی المومنین، اعزة علی الکافرین»^۴
 مؤلف: منافاتی ندارد میان اینکه در تأویل این آیه یکبار امام امیرالمومنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) ذکر شده باشد و باری دیگر یاران امام مهدی منتظر (علیه السلام)، بدین جهت که علی و قائم با اصحابش، هر دو مصادیقی برای این آیه هستند: خدا علی را دوست دارد و علی خدا را، و خدا امام مهدی علیه السلام و یارانش را دوست دارد و آنان خدای را، [آری] جز این نیست که علی مصداق اکمل و فرداتم است، ولی امام مهدی (علیه السلام) و یاران آنحضرت، مصادیق آیه، با مرتبه و منزلت فروتر از حضرت علی علیه السلام می باشند.

و چه بسیار است مواردی مانند این در قرآن، که قرآن را ظاهری است و باطنی، و تنزیلی و تأویلی، و تفسیری و معنایی...

۳. متن حدیث چنین است: «إن صاحب هذه الامر محفوظ ولودهب الناس جميعاً أتى الله باصحابه، وهم الذین قالَ الله فیهم: ...» گذشته از آنچه در متن آمده است، احتمالات دیگری در معنی این روایت وجود دارد که مجال ذکر آنها نیست. مترجم.

۴. ینابیع الموده/۵۰۷

قَدْ خَيْرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ
 بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَقْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ
 عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ إِلَّا سَاءَ مَا يَزِرُونَ

الانعام/۳۱

زیانکار شده اند (سرمایه خویش باختند) آنانکه لقای خدا را تکذیب کردند، تا آنزمان که ناگهان ساعت^۱ برایشان فرارسید گفتند: یا حسرتا، دریغ بر آنچه در آن (دنیا یا ساعت یا بهشت) کوتاهی کردیم، و آنان بارهای (گناه) خویش را بر پشتهایشان کشند. هان، چه زشت است آنچه بر دوش دارند.

سیوطی، «فقیه شافعی» گوید: بخاری از ابوهریره (رض) روایت کرده است که بادیه نشینی از رسول خدا (ص) پرسید: ساعت کی است؟ در جواب فرمود: «هنگامیکه امانت ضایع شد، در انتظار ساعت باش» [اعرابی] گفت: ای رسول خدا، ضایع ساختن امانت چگونه است؟ فرمود: «آنزمانیکه کار به آنانکه اهلیت و

۱ - طبق گفته مجمع البحرین به قیامت از آنجهت که ناگهانی فرامی رسد و یا... ساعت اطلاق شده است. روشن است که این جهت در مورد ظهور امام زمان علیه السلام نیز وجود دارد. مترجم

شایستگی آنرا ندارند، محوّل شد، پس در انتظار قیامت باش»^۲
 و نیز هم او از ابن مردویه، از ابوهریره (رض) روایت کرده
 است که گفت: مردی بیامد و گفت: ای رسول خدا، ساعت کی
 است؟، آنحضرت [صلی الله علیه وآله] فرمود: «آنکه از او سؤال
 شد، از پرسنده داناتر نیست» [آن مرد] گفت: پس کاش علامات و
 نشانه های آنرا به ما یاد می دادی، فرمود: «نزدیک شدن محلّهای داد
 و ستد (بازارها) به یکدیگر» گفتم: نزدیک شدن بازارها بیکدیگر
 چیست؟ فرمود: «اینکه بعضی از مردم به برخی دیگر از کمبود درآمد
 شکایت برند، و اولاد زنا فراوان گردد و غیبت کردن گسترش یابد و
 صاحبان مال مورد تعظیم قرار گیرند، و آوای مردمان فاسق در مساجد
 بلند شود، اهل منکر آشکار شوند و ستمگری بسیار شود»^۳

سیوطی گوید: احمد (بن حنبل) و بخاری و مسلم و ابن
 ماجه از ابن مسعود (رض) روایت کرده اند که: از رسول خدا [صلی
 الله علیه و آله] شنیدم که می فرمود: «نزدیک ساعت ایامی فرا رسد
 که جهل جایگزین علم گردد و فتنه و آشوب بسیار شود»^۴

مولّف: روایات بسیار زیادی در مورد وقوع این امور پیش از
 ظهور حضرت مهدی منتظر [علیه السلام] رسیده است. ضایع شدن
 امانت، رسیدن کارها به افرادی که اهلیت آنها را ندارند، فراوانی
 اولاد زنا، گسترش غیبت و بزرگداشت صاحبان اموال، بالا گرفتن
 صدای فسّاق در مساجد، چیرگی اهل منکر، غلبه و استیلای بغی و
 ستمگری، برافتادن علم و فرود آمدن جهل (که ظاهراً بمعنی سفاهت
 و نادانی است) و فراوانی فتنه و آشوب و نابسامانی، اینها همگی از

۲- الدر المنثور ۶/۵۰

۳ و ۴- الدر المنثور ۶/۵۰-۵۱

علامات ظهور حضرت مهدی علیه السلام است و بنابراین مقصود از «ساعة» زمان ظهور مهدی است و یا اینکه اعم از زمان ظهور و زمان قیامت است، زیرا این دو زمان در بسیاری از مقدمات و علامات مشترکند.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ آتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمْ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ
تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

الانعام / ۴۰

بگو، بمن بگوئید، اگر عذاب خدا بر شما فرا رسد و یا ساعت شما را فرارسد، آیا غیر خدا را میخوانید، اگر راستگوئید.

سیوطی «فقیه شافعی» روایت کرده گوید: حاکم این روایت را از واثله بن اسقع نقل کرده و آنرا صحیح اعلام نموده است که: از رسول خدا [صلی الله علیه و آله] شنیدم که میفرماید: ساعت بر پا نشود تا آنکه ده نشانه پدید آید:

خسفی (یعنی فرورفتن زمین) در مشرق، و خسفی در مغرب و خسفی در جزیره العرب و دجال، و آمدن یاجوج و ماجوج، و دابه (جنبنده)، و سرزدن خورشید از محل غروب آن، و آتشی که از انتهای (عدن) برون آید و مردم را بسوی محشر سوق دهد، مورچه های کوچک و بزرگ را گرد آورد.^۵

مؤلف: [علاماتی که ذکر شده است از هشت عدد تجاوز نمی کند و لذا] امکان دارد راوی دوشانه را فراموش کرده باشد و یا اینکه آمدن یاجوج یک نشانه و آمدن ماجوج نشانه ای دیگر محسوب شود و نیز «مورچه های بزرگ و کوچک...» خود نشانه ای مستقل

باشد، تا اینکه ده نشانه کامل شود. و احتمال دارد «دابه» اشاره به قول خداوند متعال باشد که فرماید:

و اذا وقع القول عليهم اخرجنا لهم دابة من الارض تكلمهم
ان الناس كانوا باياتنا لا يوقنون»:

سوره نمل، آیه ۸۴

و هنگامیکه قول (وعده‌ای که داده‌ایم) بر آنان واقع شود، دابه‌ای را (جنسبند‌های) برایشان از زمین بیرون آوریم، با ایشان سخن گوید که مردم به آیات ما یقین نمی‌آوردند

و ناگفته پیداست که این علامات همگی نشانه‌هایی هستند که در روایات فراوانی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام ذکر شده است، چنانکه پژوهشگر این روایات را در کتب تفسیر و حدیث و تاریخ می‌یابد. بنابراین مراد از «ساعت»، همان زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام است و یا اینکه هم آن، و هم زمان قیامت می‌باشد، چرا که قرآن را ظهری است و بطنی، و تفسیری و تنزیلی، و تاویلی.

فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَوَّلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا
بِكَافِرِينَ

الانعام / ۸۹

پس اگر اینان بدان کفر ورزند، همانا قومی را بدان گمارده‌ایم که بدان کافر نیستند.

حافظ قندوزی «حنفی» به اسناد خویش از حضرت جعفر بن محمد صادق [سلام الله علیه] روایت کرده است که فرمود: همانا صاحب این امر — یعنی قائم مهدی [علیه السلام] — محفوظ است، اگر همگی مردم از بین بروند خداوند یاران او را خواهد آورد، خدا درباره‌ی ایشان فرموده است: «فان يكفر بها هؤلءاء

فقد و گلنا بها قوماً لیسوا بها بکافرین»^۶

مؤلف: مقصود اینست که امکان ندارد امام مهدی (علیه السلام) و اصحاب ایشان از بین بروند، پس اگرچه مردم در اثر گرسنگی ها و جنگها و بیماریها بمیرند، حضرت مهدی [علیه السلام] و اصحاب سیصد و سیزده گانه او باقی خواهند ماند. و سخن آنحضرت «خدایاران او را می آورد» کنایه از این است که حضرت مهدی (ع) خود آنانرا می آورد، زیرا در بعضی روایات رسیده است که تازمانی که تعداد یاران آنحضرت تا ۳۱۳ نفر — مانند تعداد اصحاب بدر کامل نشود، ظهور نخواهد فرمود.

و تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّکَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ

العلیم

الانعام/۱۱۵

و تمام و کامل شد کلمه پروردگارت، براساس راستی، و عدالت. تبدیل کننده ای برای کلمات او نیست و او شنوا و داناست.
حافظ سلیمان قندوزی «حنفی — به سند یاد شده اش — از چند تن از بزرگان مورد اعتماد که ملازم و هم عصر دو امام بزرگوار، آقای ما «علی بن محمد هادی» و ابومحمد «حسن بن علی عسکری» [علیهم السلام] بودند نقل می کند که گفته اند: از آن دو بزرگوار شنیدیم که می فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی، هنگامیکه اراده خلق امام نماید، قطره ای از آب بهشت را در آب باران فرو می آورد. آن آب در میوه ها و سبزیهای زمین می افتد و پدر امام آنرا میخورد و در نتیجه نطفه او از آن می باشد. پس هنگامیکه نطفه در رحم قرار گیرد و چهارماه بر آن بگذرد، صدا را می شنود و بر بازوی وی نوشته میشود:

«وتمت كلمة ربك صدقاً وعدلاً لا مبدل لكلماته و هو السميع العليم»

و هنگامیکه متولد شود به امر خدا می ایستد، رشته ای از نور برای او کشیده میشود که از آن مردمان و اعمال و سرائر (امور باطنی) آنها را می نگرد. و آن رشته نور میان دو دیده او قرار دارد، هرگاه بخواهد در آن نظر کند و ببیند. — تا پایان حدیث.^۷

مؤلف: این حدیث یا مختص به امام «قائم» [علیه السلام] است و یا در مورد همه دوازده امام می باشد، که در اینصورت نیز شامل امام «قائم» هم خواهد بود و هر دو معنی را احادیث دیگری نیز تایید می کنند.

يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ
مِنْ قَبْلِ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتظِرُوا إِنَّا
مُنتظرون

الانعام/ ۱۵۸

روزیکه بعضی از آیات پروردگارت بیاید، کسی را که پیش از آن ایمان نیاورده و یا در ایمانش خیری کسب نکرده است، ایمان او سودی نبخشد. بگوانتظار کشید، ما نیز منتظر هستیم.

حافظ قندوزی «حنفی» از ابوهریره نقل کرده است که گفت: ساعت پیش نخواهد آمد تا وقتی که خورشید از محل غروب خویش طلوع کند، پس هنگامیکه چنین شد مردم همگی ایمان آورند ولی در آنروز:

«لا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلِ أَوْ كَسَبَتْ فِي
إِيْمَانِهَا خَيْرًا»

این روایت را شیخین [بخاری و مسلم] و ابوداود نقل

کرده‌اند.^۸

و حافظ قندوزی، خود از ابوسعید خدری در مورد قول خداوند
متعال:

«أویاتی بعض آیات ربّك»، طلوع خورشید از محل غروب آنرا
روایت کرده است.^۹

مؤلف: روایات بسیارند در اینکه از علامات ظهور مهدی آل
محمد [صلی الله علیهم اجمعین] و بازگشت او، طلوع خورشید از
محل غروب خود می‌باشد، و این مطلبی است که نزد افراد مطلع
بر احادیث شریفه ثابت شده است، بنابراین آیه کریمه تفسیر و یا
تأویل به امام «مهدی» علیه السلام شده است.

سورة اعراف

وَنَادَى اصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ، قَالُوا مَا
أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ

الاعراف/۴۸

و اصحاب اعراف، کسانی را که به سیمایشان می شناسند ندا دادند و گفتند جمعتان و استکبارتان شما را بی نیاز نکرد.

حضرت مهدی و پدران آنحضرت [علیهم السلام] اصحاب
اعراف هستند.

حافظ قندوزی «حنفی» از سلمان فارسی (رضی الله عنه) روایت می کند که: از رسول خدا [صلی الله علیه و آله و سلم] بیش از ده بار شنیدم که به علی [علیه السلام] می فرمود: «ای علی همانا تو و اوصیای از میان فرزندان اعراف میان بهشت و آتش هستید. وارد بهشت نمیشود، مگر آنکس که شما را [به امامت و ولایت] بشناسد و شما نیز او را [در شمار پیروان خود] بشناسید. و وارد در آتش نمیشود مگر آنکس که (امامت و ولایت) شما را انکار کند و شما نیز او را [در شما پیروان و موالی خویش] نشناسید. (یا پیروی او را از خویش انکار کنید.)»

مؤلف: از آنجائیکه حضرت امام مهدی (علیه السلام) آخرین وصی پیامبر (صلی الله علیه وآله) می باشد، بنابراین از کسانیستکه این آیه در شأن ایشان فرود آمده است. و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در چندین مورد — که برخی از آنها پیشتر آمد — اوصیای خویش را — و در پایان حضرت مهدی منتظر را — صریحاً نام برده است.

يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِيهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي
لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ
إِلَّا بَغْتَةً.

الاعراف/۱۸۷

از تو در باره ساعت میپرسند که زمان وقوع آن کی است، بگو جز این نیست که آگاهی از آن نزد پروردگار است و کسی جز او آنرا در وقت خویش آشکار نمی کند. بر (اهل) آسمانها و زمین، عظیم و سنگین است. نباید بر شما مگر به طور ناگهانی.

حافظ قندوزی در مورد قول خداوند متعال: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ

السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِيهَا» — الخ — از مفضل بن عمر از [امام جعفر] صادق [سلام الله علیه] روایت کرده است که فرمود: «ساعت قیام قائم است»^۱

مؤلف: در تعدادی از احادیث شریفه آمده است که زمان

قیام حضرت مهدی [عجل الله تعالی فرجه الشريف] از مواردی است که خداوند آگاهی از آنرا بخویش اختصاص داده است، و از رسول خدا — صلی الله علیه و آله و سلم — و نیز امیرالمؤمنین علی — علیه السلام — در این مورد سؤال شده است و هر دو در پاسخ فرموده اند: «[در این مورد] پرسش شده، از پرسنده آگاهتر نیست»

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ

الانفال / ۳۹

و با آنان بجنگید تا فتنه ای باقی نماند و دین تمامی اش برای خدا باشد.

حافظ قندوزی «حنفی» به اسناد خویش از محمد بن مسلم روایت کرده است که: خدمت [امام محمد] باقر [علیه السلام] عرض کردم، تاویل قول خداوند متعال در سورة انفال: «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه و يكون الدين كله لله» چیست؟ فرمود: «تاویل این آیه هنوز نیامده است، پس هنگامیکه تاویل آن بیاید با مشرکان پیکار خواهد شد تا وقتی که توحید خدای عز و جل را پذیرند و تا زمانی که شرکی نباشد، و این در قیام «قائم» ما خواهد بود.»^۱

مولف: در اینجا تاویل یعنی عالترین مراد و مقصودی که برای آیه شریفه وجود دارد، زیرا نه در زمان رسول [صلی الله علیه و

آله] و نه در دوران احدی از خلفا و اوصیا، روزگاری که در آن «دین تمامی اش برای خدا باشد» [یعنی جز دین حق بر روی زمین مرام و دیانتی وجود نداشته باشد] بطور کامل پدید نیامده است و این وضعیت فقط در عهد حضرت امام مهدی — علیه السلام — تحقق خواهد پذیرفت.

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ
يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ
بِمَا تَعْمَلُونَ

التوبة/ ۱۶

آیا پنداشته اید که رها شوید در حالیکه هنوز خداوند آنانرا از شما که
جهاد کردند و غیر از خدا و رسول او و مؤمنان یار نزدیکی نگرفتند، از
دیگران متمایز نساخته است، و خداوند به آنچه می کنید آگاه است.

علامه بحرانی، از عالم «شافعی» ابراهیم بن محمد حموینی
[به اسناد مذکورش] از سلیم بن قیس هلالی [در همان حدیث منا-
شده که در ذیل آیه ۵۹ سورة نساء بدان اشاره شد] از علی بن ابیطالب
علیه السلام چنین روایت کرده است:

«شما را بخدا سوگند می دهم، آیا نمیدانید آنزمان که آیه
«ولم يتخذوا من دون الله ولا رسوله ولا المؤمنين وليجة» نازل شد، مردم
گفتند: آیا این آیه مخصوص بعضی از مؤمنین است یا همگی آنانرا شامل
میشود. پس خداوند پیامبرش را امر فرمود که اولیای امرشان را بدانان
بشناساند و چنانکه نماز و روزه و حجشان را برایشان تفسیر فرموده

است، ولایت را نیز برای مردم تفسیر نماید — تا آنجا که فرمود — پس ابوبکر و عمر ایستادند و گفتند: ای رسول خدا، این آیات بطور خاص در مورد علی نازل شده اند؟ آنحضرت (ص) فرمود: آری در شأن او و در شأن اوصیای من تا روز قیامت. گفتند: ای رسول خدا، آنانرا برای ما بیان نما. فرمود: علی، برادرم و وزیرم و وارثم و وصی ام و خلیفه ام در اقامت و ولی هر مومنی پس از من، سپس فرزندم حسن، سپس حسین، سپس نه تن فرزندان حسین یکی پس از دیگری.^۱

مولف: این نه تن را پیامبر اکرم [صلی الله علیه و آله] در احادیث زیادی به نامهایشان یاد کرده است و نهمین آنان مهدی قائم علیه السلام می باشد.

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كَلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

التوبه/۳۳

و او است آنکه رسول خویش را با هدایت و دین حق فرستاد تا چیره گرداندش بر تمامی ادیان، اگرچه مشرکان ناخوش دارند.

حافظ قندوزی حنفی به اسناد خود، از [امام] جعفر صادق [سلام الله علیه] در مورد قول خداوند متعال: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كَلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» روایت کرده است که فرمود: بخدا قسم تاویل آن نمی آید تا زمانی که قائم مهدی علیه السلام قیام کند، پس هنگامیکه «قائم» خروج نماید مشرکی بجای نماند مگر آنکه قیام او را ناخوش دارد و کافری باقی نماند مگر آنکه کشته گردد، تا آنجا که اگر کافر در شکم صخره سنگی باشد، آن سنگ خواهد گفت: ای مؤمن در درون من کافری

است، پس مرا بشکن و او را بکش.^۲

مؤلف: گفتار آنحضرت «کافری باقی نمیماند مگر آنکه کشته گردد» در مورد کافر معاندی است که قرآن کریم از ایشان به «از دادوا کفراً» [نساء/۱۳۷] تعبیر فرموده است و احادیث شریفه بسیار زیاد وارد شده است که کفار غیر معاند به اسلام بعنوان دین، و به امام مهدی به عنوان امام و خلیفه رسول خدا، ایمان خواهند آورد. (طبق مطالبی که در تفسیر آیه «وإن من اهل الكتاب إلا یؤمنن به» گذشت)

و گفتار آنحضرت (ع) «صخره گوید. ای مؤمن در درون من کافری است پس مرا بشکن و او را بکش» پس از ایمان به قدرت خداوند متعال در به سخن آوردن جمادات، امر عجیبی نیست و حضرت امام مهدی (علیه السلام) امامی از جانب خداست و بنابراین چه مانعی دارد که خداوند این معجزات را به او عطا فرماید؟ و چه مانعی دارد که خدا بدست امام مهدی [سلام الله علیه] امور خارق العاده را، برای چیره ساختن دین خویش بر تمامی ادیان، جاری سازد؟

آیا سنگریزه ها در دست رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به سخن نیامدند، با وجود اینکه خداوند غلبه دین خود را بر همه ادیان و در تمام نقاط زمین در آنزمان اراده نکرده بود؟

بنابراین لازم است در عهد نواده رسول و تجدید کننده دین او مهدی منتظر [عجل الله تعالی فرجه الشریف] بجهت اراده خداوند متعال به غلبه دادن دین خویش بر تمامی دینها و در تمام نقاط، صخره ها به سخن گفتن آیند.

و پوشیده نیست که مانعی ندارد مقصود از ارسال رسول (ص) غالب ساختن دین خدا بر همه ادیان باشد و با وجود این، این غلبه تا بیش از هزار سال پس از برانگیخته شدن رسول (ص) بتأخیر افتد، چرا که طول زمان مانع تحقق مصالح الهی در بندگانش نمی شود. آیا خداوند متعال پیامبرش حضرت نوح را برای هدایت امت وی برنینگیخت و با وجود این در طول ۹۵۰ سال که از بعثتش گذشته بود، جز اندکی به او ایمان نیاورده بودند؟

یادآوری: از آنجا که این آیه با همین الفاظ عیناً در قرآن کریم ۳ بار تکرار شده است و بدین ترتیب سه آیه و نه یک آیه تنها محسوب می گردد، لذا آنرا با تفسیر و تأویل آن، در سوره های فتح و صف نیز — به پیروی از قرآن کریم — تکرار خواهیم نمود.

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنِي عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

التوبة / ۳۶

همانا تعداد ماهها نزد خدا ۱۲ ماه است در کتاب خدا، روزیکه آسمانها
وزمین را بیافرید.

علامه کبیر سیدهاشم بحرانی (قدس سره) در کتاب خویش «غایة المرام» از فقیه ابوالحسن محمد بن علی بن شاذان در کتاب «المناقب المائة من طریق العامة» با حذف اسناد از ابن عباس نقل می کند که: از رسول خدا [صلی الله علیه وآله وسلم] شنیدم که فرمود — در حدیثی طولانی —:

«ای مردم، هرآنکه دوست دارد حجت پس از من را بشناسد پس باید علی بن ابیطالب را بشناسد. ای مردم هرکس دوست دارد از من اقتدا و پیروی نماید، پس باید ولایت علی بن ابیطالب و امامان از ذریه من را پذیرا گردد، که آنان خزینه داران و نگاهداران علم من

هستند.» پس جابر بن عبدالله انصاری برخاسته، عرض کرد: «ای رسول خدا، تعداد امامان چند است.» فرمود:

«ای جابر، خداوند ترا رحمت کند، مرا از اسلام، بتمامی آن، پرسیدی، شماره آنان، شماره ماهها است و آن «عندالله اثنی عشر شهراً فی کتاب الله یوم خلق السموات والارض»: نزد خدا دوازده ماه است در کتاب خدا، آنروز یکه آسمانها وزمین را آفریده است. سپس فرمود: پس امامان ای جابر دوازده امامند، اولین ایشان علی بن ابیطالب است و آخرین آنها «قائم»^۳

مؤلف: تشبیه پیامبر اکرم [صلی الله علیه و آله] ائمه اثنی عشر — علیهم السلام — را به ماههای دوازده گانه، و قرائت آنحضرت (ص) نص آیه کریمه را، و سپس بدنبال آن ذکر اینکه ائمه دوازده تن اند و آخرین آنها «قائم» است، همگی ادله و شواهدی هستند براینکه تاویل این آیه در ائمه علیهم السلام می باشد. و تاویل پیامبر (ص) همان روح قرآن است.

وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً

التوبه ۳۶/

متفقاً و باهم با مشرکین پیکار کنید همانگونه که ایشان، متفقاً با شما می جنگند.

حافظ سلیمان قندوزی «حنفی» به اسناد خویش از [امام محمد] باقر [سلام الله علیه] در باره قول خداوند متعال: «و قاتلوا المشرکین کافهً کما یقاتلونکم کافهً» روایت کرده است که فرمود: تاویل این آیه هنوز نیامده است و هنگامیکه بعداً قائم ما قیام کند آنکس که او را درک کند [یعنی در زمان قائم (علیه السلام)]

حضور داشته باشد] آنچه را در تأویل این آیه واقع شود خواهد دید. و همانا دین محمد (صلی الله علیه و آله) بهر آنجا که روز و شب رسیده باشد، خواهد رسید، تا اینکه شرکی در پهنه زمین نباشد — همانگونه که خداوند عزوجل فرموده است —^۴

مؤلف: گفتار آنحضرت «آنجا که شب و روز رسیده باشد» بدین معنی است که اسلام تمامی کره زمین را فرا گیرد و در نتیجه نقطه‌ای باقی نماند مگر اینکه دین محمد (صلی الله علیه و آله) شامل آن گردد و پرچم اسلام در آن باهتزاز در آید.

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ
فَانتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ

یونس (ع) / ۲۰

ومی گویند چرا آیتی از پروردگارش بر او نازل نشود، پس بگو جز این نیست که غیب خدا راست، پس انتظار کشید همانا من نیز باشما از منتظرانم.

حافظ قندوزی حنفی به اسناد خویش از [حضرت امام جعفر] صادق [سلام الله علیه] در مورد قول خداوند متعال در سوره یونس: «و یقولون لولا انزل علیه آیه من ربه قل انما الغیب لله فانتظروا انی معکم من المنتظرین» روایت کرده است که فرمود: غیب در این آیه همانا حجت قائم است.^۱

مؤلف: غیب هرآنچیزی است که از حواس پنجگانه پنهان باشد و برای آن مصدیق فراوانی است، اگرچه این مصداق‌ها از جهاتی چند با یکدیگر تفاوت داشته باشند. بنابراین «خدا» غیب

مطلق است زیرا او دیده نشده و نمیشود و هرگز هم دیده نخواهد شد. و «علمی» که مردم از آن بهره‌مند نیستند نیز غیب است. و «روح» که مردم آنرا حس نمی‌کنند «غیب» می‌باشد. و نیز «حجّت غایب» که مردم، بنحوی که با شناخت و تشخیص همراه باشد، او را نمی‌بینند غیب است. و [بنابراین] چه مانعی دارد که تأویل این آیه امام و حجّت قائم علیه السلام باشد.

وَلَمَّا أَخْرَجْنَا عَنْهَا الْعِدَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ،
 الْيَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ
 يَسْتَهْزِئُونَ

هود (ع) ۸/

و اگر عذاب را از ایشان تا امتی شمرده شده تأخیر اندازیم، هرآینه
 گویند: چه آنرا باز می دارد؟ هشدار! آنزمان که (عذاب) ایشان
 رافراسد، از آنها گردانده نخواهد شد و آنچه به استهزا می گرفتند حتماً بر
 آنان احاطه کند.

حافظ قندوزی «حنفی» به اسناد خویش از [امام محمد]
 باقر و [امام جعفر] صادق [سلام الله علیهما] در باره قول خداوند
 متعال: «وَلَمَّا أَخْرَجْنَا عَنْهَا الْعِدَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ» روایت کرده
 است که آن دو بزرگوار فرمودند: «اقت شمرده شده» همان اصحاب
 مهدی در آخر الزمان هستند، که ۳۱۳ نفر — مانند تعداد اهل بدر —
 می باشند. همانگونه که پاره های ابر در پائیز با هم جمع میشوند، آنان
 نیز در آن واحد گرد می آیند.^۱

اولئك الذين خسروا أنفسهم

هود (ع) / ۲۱

آنان کسانی هستند که سرمایه های خویش تباه کردند و خویشتن،
زیانکار ساختند.

اینان شک کنندگان در امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشند.

حافظ قندوزی «حنفی» به اسناد خویش از مفضل بن عمر روایت کند که گفت: به حضرت صادق جعفر بن محمد (علیهما السلام) عرض کردم — حدیثی را در مورد «قائم» مهدی ذکر می کند — تا آنجا که گوید: [امام] صادق فرمود:

[شکاگان در مورد حضرت امام مهدی علیه السلام] گویند: کی بدنیا آمد؟ چه کسی او را دید؟ او کجا است؟ و کی ظهور می کند؟

همه این سخنان را از روی شک در قضای الهی و قدرت او می گویند [سپس قول خداوند متعال را تلاوت فرمود:] «اولئك الذين خسروا أنفسهم» (آنان کسانی هستند که خود را زیانکار کردند)، در دنیا و آخرت.^۲

مولف: این از موارد تأویل تطبیقی است که آنرا جز اهل بیته که قرآن در خانه های آنان نازل شده است نمیداند و امام صادق ع — از ایشان است.

قال لوان لي بكم قوة أو أوى إلي ركني شديد

هود (ع) / ۸۰

گفت: ای کاش مرا بر شما (یا: از میان شما و توسط شما) نیرویی بود،
یا اینکه به قوم و پیروانی پرتوان پناه میبردم.

حافظ قندوزی «حنفی» به اسناد خویش از [امام جعفر] صادق [سلام الله علیه] روایت کرده است که فرمود: گفتار «لوط» علیه السلام به قومش که: «لو أن لی بکم قوّة أو أوی إلى رکن شدید» نبود مگر به آروزی قدرت و نیروی «قائم مهدی» و توان و سختی یاران وی، و آنانند پیروان پرتوان (رکن شدید)، چرا که به هر یک از آنان نیروی چهل تن داده میشود و دل‌های آنان سخت‌تر از پاره‌های آهن است، اگر برجبال آهنین بگذرند، [از صلابت آنان] از هم بیپاشد، شمشیرهایشان را تا آنزمان که خدا راضی نگردد [از کشتار دشمنان حق] باز ندارند.^۳

مولف: بنابراین تاویل «قوة» و «رکن شدید» در این آیه کریمه، امام مهدی علیه السلام و اصحاب آنحضرت می‌باشند و گفتار آنحضرت «تا وقتی خداوند راضی گردد» یعنی تا وقتی که همه مسلمانان و مؤمن گردند و اسلام و ایمان سراسر کره زمین را فرا گیرد. و مسلم است که کشتار و قتل فقط در مورد کسانی است که حجت بر آنان تمام شده است و حق را شناخته‌اند ولی باوجود این آنرا نپذیرفته و انکار می‌کنند.

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

هود (ع) / ۸۶

اگر مؤمن هستید، باقی گذاشته خدا برای شما بهتر است.
عالم «شافعی» سید مؤمن شبلنجی در کتاب «نور الابصار»، حدیثی طولانی را از امام محمد باقر [سلام الله علیه] نقل کرده است که در قسمتی از آن آمده است:
«پس هنگامیکه [مهدی علیه السلام] قیام کند، پشت به

کعبه دهد و ۳۱۳ تن از پیروان او نزدش گرد آیند. پس اولین چیزی که گوید این آیه باشد: «بقية الله خير لكم إن كنتم مؤمنين» سپس می فرماید: منم بقية الله (باقی گذارده خدا) و خلیفه او و حجت او بر شما. پس از آن، کسی بر آنحضرت سلام نمی کند مگر اینکه می گوید: «السلام عليك يا بقية الله في ارضه» سلام بر تو ای باقی گذارده خداوند در زمینش. — تا پایان حدیث^۴

علامه ابن صباع «مالکی»^۵ و غیر او نیز این روایت را آورده اند.

مؤلف: این تأویل بانزول آیه، به نقل از پیامبر خدا حضرت شعیب علیه السلام منافاتی ندارد، چرا که تنزیل و تأویل دو چیزند و قرآن را ظاهری است و باطنی. بنابراین قصد کردن یکی از آندو، با اینکه مراد از آیه، دیگری نیز باشد — به دلالت روایات متواتر — منافاتی ندارد.

۴. نورالابصار/ ۱۷۲

۵. الفصول المهمة/ باب دوازدهم.

سورة یوسف

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا جَائِهِمْ نَصْرُنَا
فَنُجِّىَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ يوسف (ع) / ۱۱۰

تا وقتی که رسولان نومید شدند و [مردم] گمان کردند بدانها دروغ گفته شده، نصرت ما پیامدشان پس هر که خواستیم نجات یافت و عذاب ما از قوم گناهکاران بازگردانده نمیشود.

حافظ قندوزی «حنفی» به اسناد خویش از امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب [سلام الله علیه] روایت کرده است که فرمود:
نصرت خدا نخواهد آمد، تا آنزمانکه نزد مردم از مرده ضعیفتر
و پستتر باشید و آن قول پروردگارم — عز و جل — در کتاب خویش،
در سوره یوسف باشد که فرماید:

«حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا جَائِهِمْ
نَصْرُنَا» و این، هنگام قیام قائم ما، مهدی، است.^۲

۱. لفظ استفاده شده با توجه به روایتی که در ذیل همین آیه در صافی نقل شده است، افزوده گردید.
البته در روایتی دیگر نیز که در همان کتاب آمده است، آیه به گونه ای دیگر تفسیر شده است — مترجم

۲. ینابیع الموده / ۵۰۹

مؤلف: این از باب تطبیق است که امیرالمومنین علیه السلام
 آنرا میداند و آنحضرت عالم بحقایق قرآن و با خبر از اسرار آن است
 که پیامبر اکرم (ص) در باره اش فرمود:
 «علی پس از من آنچه را مردم از تأویل قرآن نمیدانند به آنها
 می آموزد»^۳

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ
شَكُورٍ

ابراهیم (ع) / ۵

و همانا موسی را با آیات خویش فرستادیم که قوم خود را از ظلمت‌ها به
سوی نور بیرون آر، و آنانرا به ایام خدا یادآور شو. هرآینه در این برای
هر بسیار صبرکننده و بسیار شکرگزاری نشانه‌هایی است.

حافظ قندوزی «حنفی» به اسناد خود از امام محمد باقر و
امام جعفر صادق [علیهما السلام] در باره قول خداوند متعال «و
ذکرهم بایام الله» روایت کرده است که فرمودند: ایام خدا سه روز
است: روزی که قائم قیام کند، و روز رجعت، و روز قیامت.^۱
مؤلف: احتمال دارد مراد از «یوم الکثره» (روز رجعت) روز
بازگشت رسول خدا و امیرالمومنین علی (صلوات الله علیهما و آلهما)
که شیطان در آن روزگار کشته خواهد شد، باشد. و آن یوم الوقت

المعلوم (روز وقت معین) است که خدا شیطان را تا آنهنگام مهلت داده است، آنجا که فرماید:

قال: فانظرنی إلى یوم یبعثون؟ قال: فانک من المنظرین إلى یوم الوقت المعلوم»^۲

و از آنجا که خداوند متعال انبیای گذشته را به بشارت دادن برسول خدا (ص) و امام مهدی (ع) امر فرموده بود، این آیه کریمه اشاره ای بدان بوده است.

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا
ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ

ابراهیم (ع) / ۲۴

آیا ندیدی چگونه خدا کلمه پاک را به درختی پاک مثل زد که تنه آن ثابت و استوار و شاخه آن در آسمان است.

علامه حنفیان «حافظ حاکم حسکانی» گوید: ابو عبد الله

شیرازی — به سند یاد شده اش — از سلام خثعمی برای ما نقل کرده

است که: نزد ابوجعفر محمد بن علی [علیهما السلام] آمده، عرض

کردم: ای فرزند رسول خدا، [چیست مقصود از] قول خداوند متعال:

«اصلها ثابت و فرعها فی السماء» فرمود: ای سلام، «درخت»،

محمد است، «فرع و شاخه» امیرالمؤمنین، و میوه، حسن و حسین

هستند و غصن (شاخه روئیده از اولین شاخه منشعب از تنه) فاطمه

است و شاخه های این غصن امامانی هستند که از اولاد فاطمه

می باشند.^۳

مؤلف: از آنجائیکه حضرت مهدی علیه السلام آخرین امام

از فرزندان فاطمه و علی — علیهما السلام — است، این آیه کریمه

شامل آنحضرت و منطبق برایشان نیز میشود.

۲. سوره حجر/۳۸ و سوره ص/۸۱، ترجمه و توضیح این آیه در جای خود خواهد آمد.

۳. شواهد التنزیل/۳۱۱/۱

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ، قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى

الحجر/۳۶ - ۳۸

يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

گفت: ای پروردگارم پس مرا تا روزی که مبعوث گردند مهلت ده،
فرمود: همانا تو از مهلت داده شدگانی، تا روز وقت معلوم.

دانشمند شافعی محمد بن ابراهیم «حموینی» به اسناد
مذکورش از حسن بن خالد روایت کرده است که گفت:
علی بن موسی الرضا [سلام الله علیه] - در ضمن حدیثی - فرمود:
«إلى يوم الوقت المعلوم، وآن روز قیام قائم ما است» آنگاه از
آنحضرت پرسیده شد: ای فرزند رسول خدا، قائم شما اهل بیت
کیست؟ فرمود: «چهارمین از اولاد من، پسر سرور کنیزان، خداوند
توسط او زمین را از هر جور و ستمی پاک می کند و از هر جرم و ظلمی
منزه می سازد.»^۱

مؤلف: این آیه عیناً در سوره های «حجر» و «ص» تکرار

۱. فرائد السمطين/۲/در پایان آن.

شده است و ما آنرا در هر دو جا در ترتیب آیات ثبت کردیم تا اینکه فرد طالب در هر یک از آندو که جستجو کند، آنرا بیابد، زیرا امکان دارد کسی باشد که وجود این آیه را در یکی از دو سوره بداند ولی از بودن آن در سوره دیگر مطلع نباشد.

علاوه بر این، مادامی که آندو، دوآیه باشند، اگر تاویلاً یا تنزیلاً در مورد امام مهدی علیه السلام باشند، وجود دوآیه را در مورد امام مهدی می‌رسانند، نه یک آیه را.

[تکرار در قرآن:]

در اینجا برای توضیح اینکه آنچه در قرآن بطور مکرر آمده، تکرار آن فقط از جهت لفظی است، نه معنوی، بحثی را که سزاوار تأمل و تدقیق است، به عنوان شاهد و برای تأیید گفتارمان می‌آوریم.

مؤلفین علوم قرآنی می‌گویند: تکرار در قرآن صرفاً از جهت لفظی وجود دارد و تکرار معنوی در قرآن نیست و هر جا تکراری باشد فقط در لفظ است و ظاهر، نه در حقیقت و معنی، زیرا اگرچه الفاظ مانند یکدیگرند ولی مقصودها عیناً یکی نیستند. این بحث را «علم الإحکام و التفصیل»^۲ نام نهاده‌اند.

بد نیست در اینجا برخی از سخنانی را که در بعضی کتب مربوطه نوشته شده است، نقل نمائیم:

استاد عقیفی در کتاب «القرآن القول الفصل» در مقام اثبات عدم وجود تکرار معنوی در قرآن و اینکه تکرار در قرآن فقط لفظی

۲. نگاه کنید به مقدمه شیخ عطیه صقر بر کتاب القرآن القول الفصل تألیف استاد عقیفی.

است گوید:

هرگاه در قرآن آیه‌ای، یا جمله‌ای کوچکتر از یک آیه، یا کلمه‌ای، یا حرفی در موارد متعددی تکرار شده باشد،^۳ باید دانست هر یک از موارد کار و ویژه‌ای را انجام میدهد، بگونه‌ای که ما در هر زمانی و مکانی روی موارد خاص این تکرارها نظر افکنیم، ملاحظه می‌کنیم حسابی در آن جاری است که از جهتی دارای تعمیم اعجازآور الهی است که همهٔ موارد استعمال را بهم مربوط می‌سازد ولی در عین حال دارای نوعی تخصیص اعجازآور است که هر یک از آن موارد تکراری مورد نظر را به مقصد خاصی که در آن بوده مربوط می‌سازد، و بین آن مقصد و هر مقصد دیگر در جاهای دیگر قرآن فرق می‌گذارد و ما می‌توانیم در هر کجا مقصود خاص خود را از آن مورد استخراج کنیم. و این معجزه بدین جهت است که بشر نمی‌تواند تعمیمی بدهد که بتواند قدر مطلوبش را از کلام، بدون هیچ کم و زیادی مشخص سازد.

و نیز خطیب اسکافی در «دره التنزیل و غرة التأویل» برای بیان نمونه‌ای در همین زمینه چنین گوید:

«گفتار خداوند متعال در آیات چهارم و پنجم سوره نبا: «کَلَّا سِیَعْلَمُونَ * ثُمَّ کَلَّا سِیَعْلَمُونَ» دلالت دارد بر اختصاص آیه چهارم به دانستن در دنیا و اختصاص آیه پنجم به دانستن در آخرت،

۳ - تکرار یک آیه مانند: «فبای الاء ربکما تکذبان» که چندین بار در سوره «الرحمان» آمده است، و تکرار عبارتی کوچکتر از یک آیه، مانند: «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون» که در آیه ۴۳ از سوره نحل و آیه ۷، از سوره انبیاء ذکر شده است. و تکرار یک کلمه مانند «علیهم» در سوره فاتحه: «صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین». و تکرار یک حرف مانند «واو» عطف که در سوره فاتحه در دو آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» و «غیر المغضوب علیهم ولا الضالین» تکرار شده است و...

بنابراین در حقیقت تکراری وجود ندارد و آنچه در آیه پنجم مورد نظر بوده است با مراد از آیه چهارم تفاوت دارد...»^۴

تاج القراء کرمانی در کتاب خویش «اسرار التکرار فی القرآن» در مقام ارائه مثالی دیگر در مورد عدم وجود تکرار معنوی در قرآن گوید:

«عبارت «علیهم» که در سوره فاتحه، آیه «صراط الذین انعمت «علیهم» غیرالمغضوب «علیهم» ولا الضالین» در دو جا آمده است، در معنی مگر نیست، زیرا مقصود از اولی ایجاد ارتباط با مفهوم نعمت نهادن (إنعام) است و مراد از «علیهم» دوم ایجاد ارتباط با معنی غضب می باشد»^۵.

مقصود اینست که إنعام خداوند متعال، تمامی آن از یک سرچشمه است و نعمت نهادن او، و نیز غضبش بطور ارتجالی و ناگهانی و بی حساب نیست، تا معیار و مقیاس و وحدت نداشته باشد، زیرا انعام و غضب هر دو بر پایه های حکمت استوارند و لذا در هر یک از آنها ارتباط و پیوستگی خاصی لازم است.

و همچنین علامه زرکشی در کتاب خود «البیان فی علوم القرآن» برای روشن ساختن اصطلاح معروف «إحکام قرآن و تفصیل آن» و توضیح مفهوم آن گوید:

«إحکام و تفصیل قرآن» علمی است که برای ما تضمین می کند که به هر قسمتی از قرآن نظر کنیم، آن قسمت را، در هر جایی که آمده باشد، مانند یک حرف از یک کلمه می یابیم. همانطور که حروف یک کلمه همه یک جا جمعند و هر حرفی با کمال ارتباط با

۴. درة التنزیل/ ۵۱۶

۵. اسرار التکرار فی القرآن/ ۲۱

حرف دیگر در جای خود محفوظ است. و کلام بشر کلاً اینگونه نیست و ما می بینیم بهم مربوط نمی باشد، چنانکه مانند این سخن از قاضی ابوبکر عربی نقل شده است، آنجا که گوید: ارتباط آیه های قرآن به یکدیگر، تا بدانجا که مانند [حروف] یک کلمه باشند، دانشی است بزرگ که خداوند باب آنرا بر ما گشوده است ولی از آنجا که حاملی برای این دانش نیابیم و مردمان به باز یگوشی مشغول بینیم، برآن دانش مهر نهاده ایم و آنرا بین خویشتن و خدا قرارداد، و به سوی خدایش باز گردانده ایم.»^۶

مؤلف: این مقدار مختصر را از این بحث عمیق و گسترده بدین منظور آوردیم تا روشن شود که آنچه در مورد مهدی منتظر سلام الله علیه، در قرآن بطور مکرر آمده در حقیقت تکرار نیست و لذا آیات بظاهر مگرری که در شأن آنحضرت نازل شده اند، یک آیه محسوب نمی شوند.^۷

۶. البیان فی علوم القرآن/۱/۳۶

۷. این قسمت از کتاب بنا به جهاتی تلخیص شد و از ذکر برخی نقل قولها و مثالها صرف نظر بعمل آمد (مترجم)

سورة اسراء (بنی اسرائیل)

فَإِذَا جَاءَ وَعْدَ أُولِيِّهَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بِأْسٍ شَدِيدٍ
فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا * ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ
الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا

الاسراء / ۵ - ۶

پس هنگامیکه وعده (عذاب) اولین آن دو (افساد) فرارسید، بندگان
متعلق به خود را که دارای نیروی شدیدی (در جنگ و آزار) بودند بر شما
برانگیختیم، پس به میان شهرها آمدند و جستجو کردند، و وعده‌ای شدنی
بود * سپس دولت و غلبه بر ایشان را به شما برگرداندیم و با مالها و
پسرانی شما را مدد دادیم و شما را از حیث نفرت بیشتر قرار دادیم.

علامه بحرانی، در تفسیر خویش «برهان» از پیشوای اهل
سنت ابو جعفر محمد بن جریر طبری [به سند یاد شده اش] از زاذان از
سلمان روایت کرده است که گفت: رسول خدا [صلی الله علیه و
آله] بمن فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی پیامبر و رسولی
برنینگخت مگر آنکه برای او دوازده نقیب (سرور و پیشوا) قرار داد.
پس عرض کردم: ای رسول خدا (ص) این را از اهل کتاب نیز
دانسته‌ام. پس آنحضرت (ص) فرمود: ای سلمان آیا میدانی نقیبان

من کیانند؟ و چه کسانی آن دوازده نفری هستند که خدا پس از من برای امت برگزیده است؟ عرض کردم: خدا و رسول او داناترند. پس فرمود:

ای سلمان خدا مرا از گزیده نور خویش آفرید و مرا خواند، پس اطاعتش نمودم. و از نور من «علی» را آفرید و او را خواند، پس اطاعتش نمود. و از من و از علی «فاطمه» را آفرید و وی را خواند پس اطاعتش نمود. و از من و علی و فاطمه «حسن» را آفرید و او را خواند، پس اطاعتش نمود. و از من و علی و فاطمه، «حسین» را آفرید و او را خواند، پس اطاعتش نمود. سپس ما را به پنج نام از اسامی خویش^۱ نامید. پس خدا محمود است و من محمد. و خدا علی است پس این علی است. و خدا فاطر است، پس این فاطمه است. و خدا را احسان است پس این حسن است. و خدا محسن است پس این حسین است.

سپس از ما و از نور حسین نه امام را آفرید، پس آنها را خواند و اطاعتش کردند و [این آفرینش] پیش از آن بود که خدا آسمانی افراشته و زمینی گسترده و ملکی و بشری، جز ما آفریده باشد، نوری هستیم که خدا را تسبیح می کنیم و می شنویم و فرمان می بریم. سلمان گوید: عرض کردم، ای رسول خدا پدر و مادرم فدای تو باد، چیست برای آنکه اینان را بشناسد. پس آنحضرت (ص) فرمود: ای سلمان، هر که آنان را چنانکه شایسته است بشناسد و بدانان اقتدا کند و با ولی آنان پیوند و دوستی برقرار سازد. و از دشمن آنان براثت و بیزاری جوید، پس بخدا قسم که او از ما خواهد بود، در آید آنجا که ما در آئیم و ساکن شود هر جا که ما سکنی گزینیم.

۱. یعنی از مشتقات اسمای خویش

عرض کردم: ای رسول خدا، آیا ایمان به آنها، بدون شناختن اسم و نسب ایشان امکان دارد؟ پس فرمود: نه ای سلمان. عرض کردم: ای رسول خدا من آنها را تا حسین شناختم [پس از او چه کسانی خواهند بود] فرمود: بعد [از او] سیدالعبادین علی بن حسین، سپس فرزندش محمد بن علی، شکافنده علم تمامی انبیا و رسولان، سپس جعفر بن محمد زبان صادق خدا، سپس موسی بن جعفر، فروبرنده خشم خویش برای صبر در راه خدای عز و جل، سپس علی بن موسی راضی به امر خدا، سپس محمد بن علی برگزیده از خلق خدا، سپس علی بن محمد، هادی به سوی خدا، سپس حسن بن علی، راستگوی امانت دار از خدا، سپس محمد بن حسن هادی و هدایت شده ناطق، قیام کننده بحق خدا.

[آنگاه رسول خدا (ص)] فرمود: تو زمان او را درک می کنی^۲ و نیز هر که چون تو باشد و هر کسی که به معرفت حقیقی، ولایت او را دارا باشد.

سلمان گوید: پس خدا را بسیار شکر گزاردم و بعد عرض کردم: ای رسول خدا (ص) آیا من تا دوران او عمر می کنم؟ فرمود: ای سلمان بخوان [قول خداوند متعال را]:

«فاذا جاء وعد اولیہما بعثنا علیکم عباداً لنا اولی بأس شدید فجا سوا خلّال الدیار و کان وعداً مفعولاً * ثم رددنا لکم الكرة علیہم و امددنا کم باموال و بنین و جعلنا کم اکثر نفیراً»

سلمان گوید: پس گریه و شوقم شدت یافت. سپس گفتم: ای رسول خدا به عهدی از تو (یعنی در عهد و زمان تو و در حالیکه تو نیز

۲. یعنی دوران امام مهدی علیه السلام را در زمان رجعت در می یابی، چنانکه پایان حدیث بر این مطلب دلالت می کند

در دوران رجعت وجودداری؟ فرمود:

آری، سوگند بخدایی که محمد را بحق فرستاده است، [در دوران رجعت] من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه تن [ائمه دیگر] و هرآنکه از ماست و با ما و در [راه] ما، آری، بخدا قسم ای سلمان.^۳

مؤلف: این روایت شریفه دلالت دارد بر اینکه تاویل این دوآیه کریمه، همانا در رسول خدا و دخترش فاطمه زهرا و ائمه اثنی عشر — علیه وعلیهم الصّلاة و السّلام — می باشند، در آنهنگام که ایشان — وقتی خداوند اذن رجعت بدانها دهد — بدین جهان باز می گردند. و نیز احادیث گرانقدری که در تفسیر قول خداوند متعال «و یوم نحشر من کلّ امة فوجاً» و غیر آن وارد شده است، اشاره و یا دلالت بر همین مطلب دارند.

مجموعه بزرگی از احادیث شریفه وجود دارد که جزئیات و تفصیل رجعت معصومین چهارده گانه — رسول خدا و دخترش و علی و حسن و حسین و نه تن امامان از فرزندان حسین علیهم السّلام — را یاد نموده است و در کتابهای حدیث و تفاسیر مفضل و کتب وسیع اصول دین و مانند آنها، گردآوری شده است.

و کُلِّ اِنْسَانٍ اَلزَّمَانَةُ طَائِرُهُ فِی عُنُقِهِ

الإسراء/۱۳

هرانسانی را، طائرش (عملش) را در گردنش بستیم.

حافظ قندوزی «حنفی» به سند خویش از حضرت ابی عبداللّه الصادق [سلام الله علیه] — در قسمتی از یک حدیث — روایت کرده است که آنحضرت فرمود:

خداوند عز وجل فرموده است: «وکل انسان الزمناه طائره فی عنقه»، مقصود ولایت امام است.^۴

مؤلف: این تاویل «طائر» (عمل) است چرا که ولایت امام روشنترین مصداق «طائر» است، زیرا همه اعمال از ولایت امام سرچشمه می گیرد، پس کسی که از امام صادق علیه السلام — بعنوان مثال — پیروی کند، اعمالش با اعمال کسی که از غیر آنحضرت پیروی کند متفاوت است.

و با توجه به اینکه هرزمانی را امامی است مفهوم مطلق حدیث همه ائمه دوازده گانه را — که با امیرالمؤمنین آغاز شده و به مهدی منتظر علیه السلام ختم میشوند — شامل می گردد.

وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا

الإسراء/۳۳

وهر که مظلوم کشته شود، پس برای ولی او تسلط و اختیار (قصاص) قرار داده ایم. پس نباید در قتل زیاده روی کند که همانا او منصور است و یاری میشود.

حافظ قندوزی «حنفی» به اسناد خود از عبدالسلام بن صالح هروی، از حضرت علی بن موسی الرضا [سلام الله علیهما] در مورد قول خداوند متعال:

«وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» روایت کرده است، که فرمود: [این آیه] در شأن حسین و مهدی نازل شده است.^۵

مؤلف: یعنی حسین علیه السلام کسی است که مظلوم کشته

۴. ینابیع الموده/۴۵۴

۵. ینابیع الموده/۵۱۰

میشود: «من قتل مظلوماً» و مهدی علیه السلام ولی منصور و یاری شده او می باشد.

و در احادیث شریفه چنین آمده است که: امام مهدی علیه السلام، هنگامی که ظهور کند قاتلان حسین علیه السلام را به امر خدا زنده می سازد و به شدیدترین وجه از آنان انتقام می کشد.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ

الأنبياء/۱۰۵

و همانا نوشته ایم در زبور، پس از ذکر، که زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد.

حافظ قندوزی سلیمان حنفی، به اسناد خویش از امام باقر و امام صادق [علیهما السلام] در باره قول خدای متعال: «ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون» روایت کرده است که فرمودند: آنها قائم و اصحاب وی هستند.^۱
مؤلف: تا این تاریخ چنین نشده است که زمین به ارث رسد و حکومت الهی واحدی، که سیطره آن تمامی نقاط زمین را فرا گیرد، بر آن فرمانروایی کند — نه در عهد پیامبر اسلام و نه در دوران خلفای او — و جز این نیست که ذخیره شده برای این کار، همانا

امام مهدی منتظر سلام الله عليه است.

«زبور» کتابی است که بر داود علیه السلام نازل شده

است.

و «ذکر» یعنی تورات که بر موسیٰ علیه السلام نازل شده

است.

الحج/۷

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا

بتحقیق ساعت فرا می رسد، تردیدی در آن نیست.

فقیه شافعی عبدالرحمن بن ابی بکر «سیوطی» در تفسیر خویش از سنن ابوداود، از ابوسعید خدری (رضی الله عنه) روایت کرده است که:

رسول خدا [صلی الله علیه و آله و سلم] فرمود: ساعت بر پای نشود تا وقتی که «مهدی» از من، در زمین به حکومت رسد. پیشانی اش گشاده، و بینی اش کشیده است. زمین را پراز قسط و عدل می کند همانگونه که پیش از او آکنده از ظلم و جور شده است. سیوطی گوید: واحمد [بن حنبل] از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت کرده است که: رسول خدا [صلی الله علیه و آله و سلم] فرمود:

«شما را به مهدی بشارت دهم. خداوند او را موقعی که اختلاف و لرزش‌ها وجود دارد در امتم برمی‌انگیزد. پس زمین را از قسط و عدل پر کند همانگونه که [پیش از آن] مملو از جور و ظلم گشته است. ساکنان آسمان و زمین از او خوشنود می‌شوند. مال را بطور صحیح تقسیم می‌کند.» در این هنگام فردی گفت: مقصود از تقسیم صحیح چیست؟ فرمود:

یعنی بطور مساوی میان مردم. و دل‌های امت محمد را از غنا آکنده سازد و عدل او آنان را فرا می‌گیرد تا آنجا که ندا کننده‌ای را فرمان دهد تا ندا دهد و گوید: چه کسی احتیاج به مال دارد؟ و بدنبال آن فقط یک نفر برخیزد، پس آنحضرت گوید: نزد خزانه‌دار رو و به او بگو: مهدی ترا امر می‌کند که مرا مالی عطا کنی. پس خزینه‌دار به او گوید: مشت‌هایت را پر کن و بردار. تا اینکه وقتی آنها برداشت و در دامان نهاد و آشکار کرد، پشیمان شده، بگویند: من حریص‌ترین امت محمد (ص) بودم، زیرا از آنچه آنان قادر بودند، ناتوان شدم.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: پس آن مرد مال را برمی‌گرداند ولی از او پذیرفته نمی‌شود و بدو گفته می‌شود: ما چیزی را که عطا کردیم پس نمی‌گیریم.^۲

مولف: از احادیث شریفه بسیار زیاد چنین برمی‌آید که در اصطلاح شرع بدو چیز «ساعت» اطلاق می‌شود: یکی از آن‌دو روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام است و دومی روز قیامت می‌باشد. و این بجهت مشترک بودن این دو روز از حیث رحمت بودن برای مومنان و نقتت بودن برای کافران و منافقان، می‌باشد.

همانگونه که «حشر» نیز در دو مورد اطلاق میشود: یکی از آندو روزی است که بعضی از مردم محشور می گردند بجهت قول خدای متعال: «و یوم نحشر من کل امة فوجاً»^۳ و دیگری روزی که تمامی انسانها محشور می گردند که همان روز قیامت است، به سبب قول خداوند متعال در سوره کهف، آیه ۴۷، که فرماید: «وحشرناهم فلم نغادر منهم احداً» (و آنانرا محشور ساختیم و هیچیک از ایشان را بجای نگذاشتیم).

بنابراین این آیه کریمه: «وان الساعة اتیة لاریب فیها» — به دلالت احادیث شریفه — شامل و منطبق است بر عهد رجعت و ظهور مهدی منتظر — علیه السلام —

ولا ینزال الذین کفروا فی مريةٍ منه حتی تأتیهم الساعة بغتةً
أو تأتیهم عذابٌ یومٍ عقیم

الحج/ ۵۵

آنانکه کفر ورزیدند پیوسته در شکی از آنند، تا آننگام که ساعت ناگهان ایشان را فرارسد و یا اینکه عذاب روزی عقیم آنان را فرارسد.

سیوطی «فقیه شافعی» روایت کرده گوید: حاکم

نیشابوری [صاحب المستدرک علی الصحیحین] این روایت را صحیح دانسته و از عقبه بن عامر نقل کرده است که: از رسول خدا [صلی الله علیه وآله] شنیدم که می فرماید:

همواره گروهی از امت من در راه خدا پیکار کرده و بردشمن غالب باشند و کسی که با آنها مخالفت کند بدانان زیانی نرساند، تا اینکه ساعت بر آنها فرارسد و آنان در همین وضع باشند.

پس عبدالله بن عمر گفت: و خداوند بادی را که بوی مشک

۳. روزی که از هراتی فوجی را محشور کنیم. (سوره نمل/ آیه ۸۳)

میدهد و چون حریر نرم است برمی انگیزد. پس هیچ کسی را که در قلب وی به اندازه دانه ای ایمان وجود داشته باشد بجای نگی گذارد، مگر اینکه جان او را می گیرد سپس بدترین مردم باقی می ماند و ساعت برآنان برپا میشود.^۴

مؤلف: روایات زیادی با این مضمون در مورد ظهور امام مهدی منتظر وارد شده است و اینکه آنحضرت ظاهر نمیشود تا وقتی که عالم پراز ظلم و جور شده باشد و یا: تا وقتی که ظلم و جور در هر خانه ای وارد شده باشد، و مانند آن.

پس این آیه کریمه منطبق بر آنروز است و آن، روز ظهور امام مهدی منتظر — علیه السلام — می باشد.

وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ
اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ

الحج / ۶۰

و هر که عقاب کند بمانند آنچه عقاب شده و سپس بر او ستم شده است، هرآینه خداوند او را یاری کند، همانا خدا عفو کننده و آمرزنده است.

حافظ قندوزی «حنفی» به اسناد خود از سلام بن مستنیر از امام جعفر صادق [سلام الله علیه] در مورد قول خداوند متعال: «وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ» روایت نموده است که فرمود:

هنگامیکه قریش رسول خدا [صلی الله علیه وآله] را از مکه راندند و از آنها بسوی غار گریخت و جستجوی او کردند تا به قتلش رسانند، «فعوقب» (پس آنحضرت عقاب شده است) سپس [پیامبر اکرم] در بدر «عاقب» (عقاب نمود) بدین ترتیب که عتبه بن

ربیعہ، و شیبۃ بن ربیعہ، و ولید بن عتبہ، و حنظلہ بن ابی سفیان، و ابوجہل و برخی دیگر از آنانرا به قتل رساند. سپس هنگامیکہ رسول خدا [صلی اللہ علیہ و آلہ] رحلت نمود فرزند ہند دختر عتبہ بن ربیعہ [یعنی معاویہ بن ابی سفیان] با بیرون رفتن از تحت اطاعت امیرالمومنین و باقتل فرزندش یزید، حسین را — از روی ستم و دشمنی — «بغی علیہ» (برآنحضرت [یعنی رسول خدا] سرکشی و ستمگری کرد) سپس خدای متعال فرمود:

«لینصرنہ اللہ» (خداہمانا اورا یاری می کند)

یعنی توسط قائم مہدی از فرزندانش [اورا نصرت خواهد

نمود]^۵

وَيُؤْمِنُ بِالسَّمَاءِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ

الحج / ۶۵

و نگاهدارد آسمان را از اینکه بر زمین فرو افتد، مگر بہ اذن او.

علامہ بحرانی از ابوالحسن فقیہ، محمد بن احمد بن شادان، از طریق اہل سنت، با حذف اسناد از رسول خدا [صلی اللہ علیہ و آلہ] نقل کرده است کہ فرمود:

جبرئیل از ربّ العزّة جل جلالہ مرا حدیث کرد کہ خدا فرمود.

ہر کس بداند کہ خدایی نیست مگر من بہ تنہایی، و اینکه محمد بنده و رسول من است، و علی بن ابیطالب خلیفۃ من است و امامان از اولاد او حجّت ہای من می باشند، وی را برحمت خویش، در بہشت وارد سازم و بہ عفو خود از آتش برہانم» — تا آنجا کہ راوی گوید — در این هنگام جابر بن عبداللہ انصاری برخاست و

عرض کرد: ای رسول خدا، امامان از اولاد علی بن ابیطالب کیانند؟
فرمود:

حسن و حسین دوسرور جوانان اهل بهشت، سپس سرور
عابدان در زمان خویش، علی بن حسین، سپس باقر، محمد بن علی،
که توای جابر بزودی زمان او را درک خواهی کرد، پس هنگامیکه او
رادیدی سلام مرا بوی برسان. سپس صادق، جعفر بن محمد، سپس
کاظم موسی بن جعفر، سپس رضا، علی بن موسی، سپس تقی،
محمد بن علی، سپس نقی، علی بن محمد، سپس زکی، حسن
عسکری، سپس فرزند او «قائم» بحق، «مهدی» امت من، آنکه
زمین را از قسط و عدل پر می سازد، همانگونه که از ظلم و جور آکنده
گشته است، اینان، ای جابر، جانشینان من، و اوصیایم، و اولاد
و عترتم می باشند، هر کس از آنان اطاعت کند، مرا اطاعت کرده
است، و هر که نافرمانی ایشان کند، مرا نافرمانی کرده است، و
هر کس آنانرا، و یا یکی از ایشان را انکار کند، مرا انکار کرده
است، و بواسطه ایشان است که «خدا آسمان را از اینکه بر زمین فرود
آید، نگاه می دارد» و بواسطه آنهاست که خدا زمین را از اینکه
ساکنانش را فرو برد حفظ می کند.^۶

مؤلف: یاد کردن پیامبر اکرم (ص) این آیه را در این مقام،
دلیلی است بر نزول آن در شأن ائمه دوازده گانه — علیهم السلام —
اگرچه از نظر تأویل باشد، که حقیقت قرآن و روح وحی است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا
 الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ
 اجْتَبَاكُمْ، وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ
 إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ
 شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ
 آتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ
 النَّصِيرُ

الحج / ۷۷ - ۷۸

ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، رکوع کنید و به سجده روید و
 پروردگارتان را عبادت کنید و کارنیک کنید، باشد که رستگار شوید *
 و در راه خدا آنچنانکه شایسته است جهاد کنید، او شما را برگزید و
 بر شما در دین حرجی قرار نداد، دین پدرتان ابراهیم. او شما را از قبل و
 در این، مسلمین نامید تا رسول بر شما شهید باشد و شما بر مردم شهیدانی
 باشید. پس نماز را بی‌پایدارید و زکات دهید و بخدا معتصم شوید. او
 مولای شماست، پس چه خوب مولایی است و چه خوب یآوری است.

علامه سیدهاشم بحرانی، در کتاب خویش «غایة المرام» از
 عالم شافعی ابراهیم بن محمد حموی، به اسناد مذکورش از سلیم بن
 قیس هلالی - در حدیث طولانی - چنین نقل می‌کند:
 علی بن ابیطالب، بیش از ۲۰۰ تن از اصحاب رسول خدا
 [صلی الله علیه و آله] و تابعین را - در حالیکه همگی در یک مجلس
 گرد آمده بودند - سوگند داد. آنها را در چندین مورد قسم داد و از جمله
 فرمود:

شما را بخدا سوگند، آیا می‌دانید که خدا در سوره حج نازل
 فرمود: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ
 - تا پایان سوره - و آنگاه سلمان برخاسته عرض کرد: ای رسول

خدا، چه کسانی هستند اینان که تو بر آنها شهید و گواهی و آنان بر مردم گواهان باشند، این کسانی که خداوند آنها را برگزیده است و بر آنان در دین — که همان آئن ابراهیم است — حرجی قرار نداده است؟

آنحضرت (صلی الله علیه وآله) فرمود:

مقصود از این افراد سیزده مرد بطور خاص می باشند و نه تمامی این امت.

سلمان گفت: ای رسول خدا آنانرا برای ما بیان فرما.

فرمود: من، و برادرم علی، و یازده تن از اولاد من.

[در این هنگام اصحاب و تابعین به عنوان تصدیق حضرت

امیر سلام الله علیه] گفتند: بار خدایا، آری.^۷

مؤلف: این یازده تن از اولاد پیامبر (صلی الله علیه و آله و

سلم) همانگونه که در مواردی دیگر — مانند آیه گذشته، حج/ ۶۵ —

خود رسول از آنها صریحاً نام برده است، حسن بن علی، حسین بن علی،

علی بن حسین، محمد بن علی باقر، جعفر بن محمد صادق، موسی بن جعفر

کاظم، علی بن موسی رضا، محمد بن علی جواد، علی بن محمد هادی تقی،

حسن بن علی تقی عسکری، حجة بن الحسن مهدی منتظر (صلوات الله

علیهم اجمعین) می باشند. پس این آیه کریمه بر حسب تفسیر آن، شامل

امام مهدی علیه السلام میشود.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ
 فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ
 الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا.

النور/ ۵۵

خداوند کسانی از شما را که ایمان آوردند و اعمال صالح پیشه گرفتند،
 وعده داده است که در زمین جانشین سازدشان، همانگونه که کسانی را
 قبل از ایشان جانشین ساخته بود، و همانا دینشان را که برای آنان خشنود
 گشته است، بهر آنان استقرار و تمکن بخشد و خوف و هراس آنان را
 مبدل به امن و امان سازد.

علامه نیشابوری — در تفسیر خویش — بهنگام تفسیر آیه
 «الذین یؤمنون بالغیب» در سوره بقره، گفته است: مهدی منتظر، که
 خداوند در قرآن با گفتار خویش «وعد الله الذین امنوا منکم
 و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض» بدو وعده داده است، و
 آنچه از آنحضرت [صلی الله علیه وآله] رسیده است که فرموده: «اگر
 از دنیا جز روزی باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی گرداند

تا اینکه مردی از امت من، که اسم او چون اسم من و کنیه او چون
کنیه من است، قیام کند. زمین را همچنانکه پراز جور و ظلم گشته
است، از عدل و قسط آکنده سازد.»^۱

۱. تفسیر نیشابوری — که در حاشیه تفسیر طبری چاپ شده است — مجلد اول، در تفسیر آیه ۵ از سوره
بقره.

إِنْ نَشَاءُ نُنزِّلْ عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا
خَاضِعِينَ

الشعراء/ ۴

اگر خواهیم، از آسمان برایشان چنان آیتی فرود آریم که گردنهای آنان
بهر آن همواره خاضع ماند.

حافظ قندوزی «حنفی» به اسناد مذکور خویش از حضرت
علی بن موسی الرضا [سلام الله علیه] در حدیثی روایت کرده است که
فرمود:

چهارمین از اولاد من، پسر سرور کنیزان، خدا بدو زمین را از
هر جور و ظلمی پاک کند [تا آنجا که فرمود]:

و اوست آنکه، ندا کننده‌ای، که تمامی اهل زمین آوای آنرا
بشنوند، بهر او ندا دهد که: «بخویش آئید، همانا حجت خدا نزد
خانه خدا آشکار شده است، پس او را پیروی کنید، که حق در او و

با او است.» [سپس فرمود]:

وآن قول خداوند عز و جل است:

«إِنْ نَشَأْ نُنزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا

خَاضِعِينَ»^۱

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ
أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ

النمل/۸۲

وآنگاه که قول (وعده الهی) واقع شود بر آنها، جنبنده‌ای را از زمین بیرون آریم که با آنان سخن گوید که مردم به آیات ما یقین نمی‌کردند.

جلال‌الدین سیوطی «شافعی» در تفسیر خویش، بهنگام تفسیر این آیه گوید: و ابن جریر [طبری] از حذیفه بن یمان روایت کرده و گفته است: رسول خدا [صلی الله علیه وآله] جنبنده (دابه) را ذکر فرمود و حذیفه گفت: ای رسول خدا، از کجا بیرون آید؟ فرمود: از مسجدی که حرمتش نزد خدا از تمامی مساجد بیشتر است [یعنی مسجد الحرام] در آن حین که عیسی [بن مریم] طواف خانه خدا می‌کند و مسلمانان با او هستند، وقتی زمین در زیر پای آنان مانند قندیل به اضطراب و لرزش آید و آن قسمت از صفا که بعد از محل سعی است شکافته می‌شود و دابه از آن بیرون می‌آید. اولین چیزی که از او آشکار میشود، سرش می‌باشد که میدرخشد و دارای

پشم و مویی است. هرگز کسی نمیتواند بدو رسد و هیچ فرارکننده‌ای نمی‌تواند از او بگریزد. سپس بندی بر سر کافران و مومنان می‌نهد؛

اما مؤمن، پس چهره او مانند ستاره‌ای درخشان دیده میشود و میان دو چشم او نوشته میشود: «مومن» و اما کافر، پس میان دو دیده او نقطه‌ای سیاه بصورت «کافر» نقش می‌شود!

و هم او می‌گوید: و ابونعیم از وهب بن منبه روایت کرده که گفت: اولین نشانه «روم» است، سپس دجال، و سومین نشانه یاجوج و ماجوج هستند، و چهارمین، عیسی [بن مریم] و پنجم دخان (دود)، و ششمین «دابه»^۲

مؤلف: این نشانه‌ها، همگی علامات ظهور حضرت «مهدی» علیه السلام می‌باشند، چنانکه در روایات فراوانی وارد شده است. بنابراین این آیه اشاره‌ای است به مقدمات ظهور، که از آنجمله است دابة الارض.

و این با روایاتی که در تفسیر دابه به امیرالمومنین علیه السلام رسیده است منافاتی ندارد، چرا که یکی از دو تفسیر مربوط به ظاهر قرآن است و دیگری باطن آن می‌باشد، یا اینکه هر دو از بواطن قرآن می‌باشند، که قرآن را ظاهری است و باطنهایی. [یعنی یک ظاهر دارد و بطون متعدده]

و هم او نیز گوید: سعید بن منصور، و عبد بن حمید و ابن منذر، و بیهقی در بعث، از عبدالله بن عمر روایت کرده‌اند که گفت:

... — و حدیث دابه بدینجا میرسد که: — پس [دابه]

می‌گوید:

۱. الدر المنثور/۵/۱۱۶

۲. الدر المنثور/۵/۱۱۶

«انّ الناس كانوا باياتنا لا يوقنون»^۳

التمل / ۸۳

وَيَوْمَ نُحْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا

و روزیکه از هر امتی فوجی را محشور گردانیم.

جلال الدین «سیوطی» شافعی در تفسیر خویش، در تفسیر این آیه گفته است: و عبد بن حمید و ابن جریر و ابن منذر و ابن ابی حاتم، از مجاهد در قول خداوند متعال «و یوم نحشر من کل امة فوجاً» نقل کرده اند که وی گفته است: «(زمره)»^۴ [یعنی مقصود از فوج، گروه و دسته ای از هر امت می باشند]

مؤلف: در روایات بسیاری (در حد استفاضه) آمده است که این روز همان روز ظهور «مهدی» آل محمد (علیه وعلیهم السّلام) است. زیرا خدا در آنروز گروهی از ظالمان را برای اینکه پیش از روز قیامت از آنان انتقام کشیده شود، زنده می سازد. و نیز گروهی از مومنان را، تا قبل از ثواب آخرت، ثواب دنیا را بدیشان پاداش دهد. و این دو گروه از کسانی هستند که ایمان یا کفر را خالص کرده اند [کافر محض و یا مؤمن محض هستند] و این روز، روز قیامت نیست، چرا که خدای متعال در مورد روز قیامت می گوید: «و حشرنا هم فلم نغادر منهم أحداً»^۵ (و آنانرا محشور ساختیم و احدی را باقی نگذاشتیم) ولی در اینجا می گوید: «نحشر من کلّ امة فوجاً». و با توجه به اینکه خداوند متعال تا به امروز گروهی از مردم را زنده نکرده است و نیز زنده نخواهد کرد مگر در دوران رجعت و ظهور امام مهدی — علیه السّلام — پس باید آیه اشاره بدان روز باشد.

۳. الدر المنثور / ۵ / ۱۱۶

۴. الدر المنثور / ۵ / ۱۱۷

۵. سورة كهف / آیه ۴۷

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

القصص/۵

و اراده داریم بر آنانکه در زمین به استضعاف گرفته شدند منت نهیم و آنها را پیشوایان و ارث برندگان قرار دهیم.

در تفسیر «برهان» از دانشمند حنفی «شیبانی» در کتاب کشف البیان از امام محمد باقر و امام جعفر صادق [سلام الله علیهما] روایت شده است که آن دو بزرگوار فرموده اند:

هرآینه این آیه مخصوص به صاحب الامر است که در آخر الزمان ظاهر می شود و فرعونان و جباران را هلاک می سازد و شرق و غرب زمین را [یعنی تمام کره ارض را] تصرف می کند و آنرا چنانکه پراز جور گشته است، مشحون از عدل میسازد.^۱

و حافظ سلیمان قندوزی در ضمن حدیثی روایت کرده است که: ابومحمد [امام حسن عسکری - سلام الله علیه] در روز هفتم

پس از ولادت مهدی، بدو گفت: «سخن بگو، ای فرزند کوچکم»، پس شهادتین گفت و برپدران خویش یکی پس از دیگری صلوة فرستاد، سپس تلاوت [قول خداوند متعال] نمود که: «وَنريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۲

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم
مَا كَانُوا يَخْذَرُونَ

القصص/۶

و آنانرا در زمین تمکن بخشیم و از جانب آنان به فرعون و هامان و لشکر یان آندو، آنچه را می هراسیدند، نشان دهیم.

صاحب تفسیر «برهان» از دانشمند حنفی «شیبانی»، از امام باقر و امام صادق [علیهما السلام] روایت کرده است که فرموده اند:

همانا فرعون و هامان دونفر از جباران و زورگویان قریش هستند که خداوند متعال بهنگام قیام «قائم» آل محمد در آخر الزمان، آندورا زنده می سازد، و او از آنها، به سبب آنچه مرتکب شده بودند، انتقام می کشد.^۳

مولف: بنابراین، این آیه کریمه در عصر حضرت مهدی — علیه السلام — تحقق می یابد، و از نشانه ها و علامات آن زمان می باشد.

۲. ینابیع الموده/۴۵۰

۳. البرهان/۳/۲۲۰

وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللَّهِ، يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ، وَهُوَ الْعَزِيزُ
الرحيم

الروم/۴-۵

و در آنروز مومنان بنصرت خدا، شاد شوند. هر که را خواهد یاری کند، و او است عزیز و رحیم.

حافظ قندوزی حنفی به اسناد خویش از ابوبصیر از امام جعفر صادق [سلام الله عليه] در مورد قول خداوند متعال: «وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ» روایت کرده است که آنحضرت فرمود: بهنگام قیام قائم مومنان بنصرت خدا شاد گردند.^۱

مؤلف: این تأویل آیه کریمه و باطن آن است که «راسخون در علم» آنرا می دانند، و آنان هم اهل بیت علیهم السلام می باشند، زیرا که قرآن در خانه های آنها نازل شده است.

علاوه براین نصرت الهی تمام و کامل، از همه جهت و در همه جا، برای مومنان، منحصرأ در آن عصر و زمان خواهد بود و بنابراین آن حضرت مصداق اتم و کاملتر آیه کریمه است.

وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

الروم/۶

وعدة خداست، خداوند خلاف وعده خویش نمی کند و لکن بیشتر مردم نمی دانند.

علامه «شافعی» مقدسی دمشقی در «عقد الدرر» به سند خود از حذیفه بن یمان از پیامبر اکرم [صلی الله علیه وآله وسلم] روایت کرده است که آنحضرت فرمود:

وای بر این امت، از پادشاهان ستمگر و زورگو، چگونه می کشند و می ترسانند کسانی را که [از خدا] فرمان می برند، مگر آنکس را که اظهار اطاعت آنان کند. در چنین وضعیتی مومن پرهیزگار، بزبان با ایشان می سازد و در دل از آنان می بُرد. پس هنگامیکه خداوند عز و جل اراده کند اسلام را دوباره عزتمند و غالب گرداند، هر جبار کینه ورزی را درهم شکند، و او بر اینکه بخواهد امتی را پس از فاسد شدن آن به صلاح آرد، قادر و توانا است. سپس فرمود:

ای حذیفه، اگر از دنیا جز یک روز نمانده باشد، همانا خدا آن روز را طولانی گرداند تا مردی از اهل بیت من به حکومت رسد. حوادث بزرگ بدست او جامه تحقق پوشند و اسلام آشکار شود. سپس فرمود: «لایخلف الله وعده» و هوسریع الحساب^۲ (خداوند خلاف وعده خویش نکند و او به سرعت به حساب ها میرسد)

مولف: این تطبیقی است برای آیه کریمه از جانب رسول اکرم (ص) که عالم به حقایق قرآن و کنایه ها و مقاصد دور آن است، بر نواده خویش، امام مهدی علیه السلام.

وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ

السجده/۲۱

و همانا بدانان از عذاب پست‌تر، قبل از عذاب بزرگ‌تر بچشانیم، باشد که باز گردند.

علامه سیدهاشم بحرانی در تفسیر خویش از محمد بن حسن بن فرقد شیبانی «حنفی» روایت کرده که او گفته است:
و از امام جعفر صادق [سلام الله علیه] نقل شده است که
[عذاب] پست‌تر، قحطی و خشکسالی است و [عذاب] بزرگ‌تر قیام
قائم مهدی با شمشیر در آخر الزمان است.^۱

مؤلف: این نیز از قبیل تفسیر به تأویل و باطن است که قرآن
و سنت بدان تصریح کرده‌اند و علم آنرا در راسخین در علم منحصر
ساخته‌اند.

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

السجدة / ۲۹

بگو، روز پیروزی و فتح، کسانی را که کفر ورزیدند ایمان آوردن سودی نبخشد و بدانان مهلت داده نخواهد شد.

حافظ سلیمان قندوزی «حنفی» به اسناد خویش از ابن دراج از [امام] جعفر صادق [سلام الله علیه] در مورد قول خداوند متعال:

«قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ» روایت کرده است که آنحضرت می فرمود — در باره این آیه —: «یوم الفتح» (روز فتح) روزی است که دنیا بر قائم گشوده می شود [به تسخیر او درمی آید] و هیچکس را — که قبل از آن مؤمن نبوده است — نزدیک شدن به ایمان سودی نبخشد. و اما کسی که قبل از فتح به امامت او یقین داشته است و منتظر قیام او می بوده، ایمانش بوی سود می رساند و خداوند عزوجل نزد او قدر و شأن وی را بزرگ می گرداند. و این پاداش دوستداران و پذیرندگان ولایت اهل بیت است.^۲

مولف: پیروزی و فتح بزرگتر و کامل کره زمین، در آن روز خواهد بود. پس آن، کاملترین مصداق برای کلمه «فتح»، و از تمامی فتوحات پیشین کاملتر خواهد بود.

سورة احزاب

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ البَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيراً

الاحزاب/۳۳

جز این نیست که خداوند اراده دارد از شما اهل بیت رجس و پلیدی را
ببرد و شما را کاملاً پاک و مطهر سازد.

علامه «شافعی» جلال الدین سیوطی در کتاب «العرف
الوردی» به سند مذکورش از رسول خدا [صلی الله علیه و آله و سلم]
روایت کرده است که آنحضرت فرمود:

بزودی پس از من جانشینانی خواهند بود و بعد از جانشینان،
امیرانی، و بعد از امیران، پادشاهانی ستمگر و جبار خواهند بود. سپس
از اهل بیت من مهدی قیام خواهد کرد و آنرا آکنده از عدل سازد،
چنانکه از جور پر شده است.^۱

مؤلف: این حدیث را همگی کتب زیر نیز روایت کرده اند:
عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر^۲

۱. العرف الوردی/۲/۶۴

۲. عقد الدرر/باب اول/ح ۱۲

علی متقی هندی در کنز العمال^۳
گنجی شافعی در کتاب خویش «البیان فی اخبار
صاحب الزمان»^۴

ابن صباغ مالکی در «الفصول المهمه»^۵
و عبیدالله هندی حنفی در کتاب «ارجح المطالب»^۶

و.....

و ابن ماجه در سنن خویش به سند مذکور خود از محمد بن
حنفیه، از امیرالمومنین علی علیه السلام، از رسول خدا صلی الله علیه و
آله نقل کرده است که آنحضرت فرمود:

مهدی از ما اهل بیت است، همانا خدا [امر] او را در یک
شب اصلاح می کند.^۷

و این حدیث را نیز پیشوای حنبلیان احمد بن حنبل در مسند
خود^۸ روایت کرده است و همچنین دانشمندان ذیل — با الفاظی
شبهه به همین متن — آنرا نقل نموده اند:

ابن خلدون در مقدمه خود^۹

منادی در «کنوز الحقایق»^{۱۰}

سیوطی در «الجامع الصغیر»^{۱۱} و در «العرف الوردی»^{۱۲}

۳. کنز العمال/۷/۱۸۶

۴. بیان/باب دوازدهم

۵. الفصول المهمه/فصل دوازدهم

۶. ارجح المطالب/۳۸۰

۷. سنن ابن ماجه/۲/۲۶۹

۸. مسند احمد/۱/۸۴

۹. مقدمه ابن خلدون/۲۶۶

۱۰. حاشیه الجامع الصغیر/۲/۱۲۲

۱۱. الجامع الصغیر/۲/۱۶۰

۱۲. العرف الوردی/۲/۷۸

و بسیاری افراد دیگر.

و علی متقی هندی «حنفی» در کتاب «البرهان» از حذیفه بن یمان نقل کرده است که گوید: رسول خدا [صلی الله علیه و آله] فرمود:

اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، همانا خدای، آنروز را طولانی گرداند تا زمانی که مردی از اهل بیت من به حکومت و فرمانروایی رسد^{۱۳}

و حدیثی با الفاظ شبیه به همین، ابوداود در صحیح خود^{۱۴} (و ابن عربی در شرح صحیح ترمذی^{۱۵} نقل کرده اند.

۱۳. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان/باب دوم

۱۴. صحیح ابوداود (یا سنن ابوداود) ۱۳۱/۲/

۱۵. ۷۴/۹

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ

سبأ/ ۱۸

و میان آنها و قریه هایی که مبارک گردانیدیم، قریه هایی آشکار قرار دادیم و سیر در آنها را به اندازه و معین ساختیم. سیر کنید در آنها شبها و روزهایی در امنیت.

حافظ قندوزی «حنفی» به اسناد خود، از محمد بن صالح همدانی روایت کرده است که: برای صاحب الزمان [سلام الله علیه] نوشتم که خانواده من، با حدیثی که از پدران شما نقل شده است که فرموده اند: «کارگزاران ما بدترین خلق خدایند»، مرا آزار می دهند. پس آنحضرت در جواب نوشت: وای بر شما، قول خداوند متعال را نخوانده اید که فرماید: «وجعلنا بينهم وبين القرى التي باركنا فيها قرى ظاهرة» پس بخدا قسم که ما ئیم آن قریه ها که خداوند مبارک گردانیده است، و شما قریه های آشکارید.^۱

مولف: این نیز از تأویل قرآن است که آنرا اهل بیت می دانند و بدین معنی است که: مقصود از «قری ظاهرة» (قریه های آشکار) در این آیه کریمه، شیعیان مخلص می باشند.

وَلَوْ تَرَىٰ إِذَا فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ * وَ
 قَالُوا أَمَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاقُشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ * وَقَدْ كَفَرُوا
 بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ * وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَ
 بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ
 مُرِيبٍ

سبا/ ۵۱-۵۴

و کاش می دیدی آنهنگام که به هراس و دلهره افتند، پس رهیدن و از دست گریختنی نباشد و از مکانی نزدیک گرفته شوند * و گویند ایمان آوردیم و چگونه رسیدن (به ایمانی که سودشان دهد) برای آنان ممکن باشد * در حالیکه قبلاً بدان کفر ورزیدند و از مکانی دور در مورد غیب از سرگمان سخن می گویند * و میان آنان و آنچه دوست دارند [مرگ] حائل گشت، همانگونه که با همانندان آنان در قبل چنین عمل شد. آنان در تردیدی ریب افکن بودند.

فقیه شافعی، جلال الدین «سیوطی» در تفسیر خویش، در تفسیر این آیات گفته است: ابن ابی شیبہ و طبرانی از ام سلمه روایت کرده اند که گفت: «رسول خدا [صلی الله علیه وآله] فرمود: با مردی از امت من [که با توجه به علائم ذکر شده مهدی است] میان رکن و مقام، کسانی که به تعداد اهل بدر باشند بیعت می کنند، پس گروههای عراق و ابدال شام نزد او می آیند و بعد لشگری از شام به سوی آنها می آید، تا هنگامیکه به بیداء می رسند، آن سرزمین ایشان را فرو می برد»^۲

و نیز همو گوید: ابن جریر و ابن منذر و ابن ابی حاتم از ابن عباس (رضی اللہ عنہما) در مورد قول خدای متعال: «ولوتریٰ اذ فزعوا فلافوت و اخذوا من مکان قریب» روایت کرده اند که وی گفته است: آن، سپاه سفیانی است. گفت: از کجا گرفته میشوند؟ گفت: از زیر پایہایشان [مقصود فرورفتن در زمین است]^۳

حافظ قندوزی «حنفی» از حارس از حضرت علی [سلام اللہ علیہ] در مورد این آیات تا آخر سوره روایت کرده است که فرمود: نزدیک قیام قائم ما مهدی، سفیانی خروج می کند و به اندازه بارداری زن، نه ماه حکومت می کند و سپاه او به طرف مدینه آید، پس هنگامیکه به بیداء رسد، خداوند او را فروبرد.^۴

۳. الدر المنثور/۵/۲۴۱-۲۴۰

۴. ینابیع المودة/۵۱۲

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ، قَالَ: فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ
إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

ص/۷۹-۸۱

گفت، پروردگارم، پس مرا تا روزی که مبعوث شوند مهلت ده، فرمود:
تو از مهلت داده شدگانی تا روز وقت معلوم

عالم شافعی «حموینی» به سند یاد شده اش، از حسن بن
خالد، از حضرت علی بن موسی الرضا [سلام الله علیه] روایت کرده
است، که آنحضرت در حدیثی فرمود:

«إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» و آن، روز قیام قائم ما است.

پس گفته شد: ای فرزند رسول خدا (ص)، قائم شما اهل

بیت کیست؟

فرمود: چهارمین از اولاد من، پسر سرور کنیزان، خداوند
توسط او زمین را از هر جوری پاک کند و از هر جنایت و ظلمی منزّه
سازد.^۱

۱. فرائد السمطين / ۲ / انتهای آن.

مولف: عین این آیه در سوره حجر گذشت، پس بدانجا مراجعه کنید.

وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأُ بَعْدَ حِينٍ

ص/۸۸

و هرآینه خبر آن (وعد و وعیدش را) پس از مدتی خواهید دانست.

حافظ قندوزی «حنفی» به اسناد خویش، از عاصم بن حمید از امام باقر [سلام الله علیه] در مورد قول خدای متعال: «وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأُ بَعْدَ حِينٍ» روایت کرده، که فرمود: لتعلمن نبأه (هرآینه خبر آنرا بدانید) مقصود خبر قائم بهنگام قیام و خروج وی می باشد.^۲

مولف: این و امثال آن از «تأویل قرآن» می باشند که «لایعلم تأویله إلا الله والراسخون فی العلم» (تأویل آنرا جز خدا و راسخون در علم نمیدانند سوره آل عمران، آیه ۷) و راسخون در علم همانا ائمه اهل البیت (علیهم السلام) باشند و آنان به آنچه از قرآن در خانه های آنها نازل شده است، از حیث تنزیل و تفسیر و تأویل و تطبیق و تنظیر (تشبیه)، داناترند.

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن
كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ

الزمر/۵۶

که کسی گوید، و احسرتا بر آنچه در جنب خدا (در حق خدا و طاعت او و قرب او) کوتاهی کردم و همانا من از مسخره کنندگان بودم.

حافظ «حنفی» سلیمان قندوزی از علی بن سوید، از امام موسی کاظم [سلام الله علیه] روایت کرده است که در تفسیر این آیه: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ» فرمود: جنب الله امیر المؤمنین علی است و همچنین اوصیای و الامقامی که بعد از او هستند تا آخرین ایشان که حضرت مهدی است.^۱

مولف: خداوند متعال جسم نیست، تا او را دست و پا و چشم و پهلوی و غیر آن باشد و جز این نیست که آنچه از این الفاظ در قرآن و سنت وارد شده است مراد از آنها — چنانکه در فلسفه ثابت شده — مقصود و غرض نهایی از آنها است و پهلوی (جنب) در اینجا

بمعنی کسی است که از جهت معنوی نزدیکترین (موجودات) بخداست.

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا

الزمر/۶۹

وزمین بنور پروردگار خویش درخشیدن گرفت.

علامه «حنفی» حافظ قندوزی در کتاب خویش «ینابیع الموده» به سندش که آنجا ذکر شده است، از ابوالحسن علی بن موسی الرضا [سلام الله علیه] - در حدیثی که در آن «مهدی» یاد شده است و اینکه او چهارمین از اولاد آنحضرت است - روایت کرده است که فرمود: پس هنگامی که قیام کند «اشرقت الارض بنور ربّها»^۲

مؤلف: اینکه امام رضا (علیه السلام) در این مورد عین این عبارت قرآنی را یاد کرده است، دلیلی است بر اینکه تأویل آیه، در امام مهدی منتظر علیه السلام می باشد.

سورة غافر (مؤمن)

الَّذِينَ يَخْمَلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ
يُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا...

غافر/۷

آنانکه عرش را حمل کنند و کسانیکه حول آن هستند به حمد پروردگار خویش تسبیح کنند و به او ایمان دارند و برای آنانکه ایمان آورده اند استغفار کنند.

حافظ قندوزی «حنفی» گوید: صاحب مناقب [با سندی که در آن ذکر شده است] از علی بن ابیطالب روایت کرده که آنحضرت فرمود: رسول خدا [صلی الله علیه و آله] - در ضمن حدیثی - فرمود:

ای علی، خداوند تبارک و تعالی انبیای مرسل خویش را برملائکه مقربین خود برتری بخشیده است و مرا بر تمامی انبیا و مرسلین برتری داده است و پس از من برتری از آن تو است ای علی، و برای امامان از اولادت پس از تو.

پس ملائکه از خدمتگزاران ما و دوستان ما هستند.

ای علی!

«آنانکه عرش را حمل کنند و کسانیکه حول آن هستند به حمد پروردگار خویش تسبیح کنند و به او ایمان دارند و طلب مغفرت کنند برای کسانی که ایمان آوردند» به ولایت ما^۱
 مؤلف: بنابراین ایمان داران به ولایت پیامبر و ائمه (علیهم السلام) همان کسانی هستند که قرآن کریم در «و یتغفرون للذین آمنوا» قصد کرده است و از آنجا که در آیات گذشته ثابت شد که «مهدی» آخرین امامان است، پس این آیه شامل آنحضرت و اولیای او نیز میشود.

سُورِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ

فُصِّلَتْ/۵۳

بزودی آیات خود را در آفاق و در خودهاشان بدانان بنمایانیم، تا اینکه برای آنان روشن شود که او حق است.

حافظ قندوزی «حنفی» به اسناد خویش از ابوبصیر روایت کرده است که گوید: از امام محمد باقر [سلام الله علیه] در مورد این آیه: «سُورِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» سؤال شد، آنحضرت فرمود: قدرت خدا را در آفاق می بینند، و در خودهاشان عجایب و غرایب را، تا برای آنان آشکار شود که قیام «قائم»، حق است از خدای عزوجل، خلق آنرا می بینند، چاره‌ای از آن نیست و باید روی دهد.^۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * حمعسق

الشوری/۱

دانشمند شافعی، جمال الدین مقدسی سلمی در «عقد الدرر» به سند مذکورش، از ابواسحاق ثعلبی در تفسیر قول خداوند متعال «حمعسق» روایت کرده است که عبدالله بن عباس گفت:

«ح» حربی است که بین قریش و موالی (مسلمانان غیرعرب) روی میدهد و در آن غلبه و پیروزی برای قریش خواهد بود.

«م» ملک و حکومت بنی امیه است.

«ع» علو و برتری یافتن اولاد عباس است.

«س» سنا و علورتبه و شرف مهدی است.

«ق» فرود آمدن عیسی و قوت و نیروی او است (خ ل)^۱
مؤلف: گویا این حروف مقطعه رموز و اشاراتی است به

حوادث و انقلابهای بعد از رسول اکرم (ص) و پایان یافتن آنها: «لیظهره علی الدین کله» (تا بر تمامی ادیان چیره اش سازد)، با «سنا و شوکت مهدی» و «قوت و توان عیسی»، بهنگام نزولش از آسمان. و باید دانست که این آیه بصورت «ح.ا. میم. عین. سین. قاف» خوانده میشود ولیکن چنانکه در بالا آمد نوشته می شود و این نحوه نوشتن به پیروی از نبی اکرم — صلی الله علیه و آله و سلم — و وحی الهی می باشد.

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ

الشوری/۱۷

و چه تورا آگاه ساخته است، شاید که ساعت نزدیک باشد.

حافظ قندوزی «حنفی» از مفضل بن عمر، از امام جعفر بن محمد صادق [سلام الله علیه] در مورد قول خداوند متعال: «وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ» روایت کرده است که آنحضرت فرمود: قیام «قائم» نزدیک است.^۲

مؤلف: اینکه می فرماید «نزدیک است» بدین معنی است که «حتماً و بدون شک فرا خواهد رسید» و هر چه بطور حتمی فرا رسد، نزدیک است و در حدیث شریف آمده است: «نزدیک» چیست، و «نزدیکتر» چیست؟ پس معصوم (ع) فرمود: «هر چه فرارسنده باشد، پس آن نزدیک است، و «نزدیکتر» مرگ است» [و کلام اخیر] بدین اعتبار است که گاهی مرگ میان انسان و نزدیکترین چیزی که فرا رسیدن آنرا امید دارد، حائل میشود.

أَلَا إِنَّ الدِّينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

الشوری/۱۸

هشدار! همانا کسانی که در [انکار] ساعت مجادله می کنند، برآستی که در گمراهی دوری هستند.

حافظ قندوزی «حنفی» در مورد قول خداوند متعال «أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يَمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ» از مفضل بن عمر روایت کرده است که گفت: خدمت امام صادق جعفر بن محمد [سلام الله عليه] عرض کردم: معنی این آیه چیست؟ در پاسخ فرمود: ساعت قیام قائم است. گویند: «کی دنیا آمد؟»، و چه کسی او را دید؟ و او کجا است؟ و کی آشکار شود؟» همه این سخنان را از روی شک در قضا و قدر خداوند گویند، «اولئك الذين خسروا انفسهم في الدنيا و الآخرة» (آنانند کسانی که خویشان در دنیا و آخرت زیانکار و سرمایه باخته کردند)^۳

مولف: به جهت ورود آیه اخیر در کلام امام علیه السلام این روایت را در سوره «مؤمنون» نیز آورده ایم.

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ الشوری/۲۳

بگو، بر آن اجری از شما نمی خواهم، مگر مودت و دوستی به نزدیکان را. علامه «حنفی» حاکم حسکانی [به سند یاد شده اش] از ابن عباس روایت کرده است که گوید: هنگامیکه آیه: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» فرود آمد، گفتند: ای رسول خدا (ص) این کسانی که خداوند ما را به مودت آنان فرمان داده است، کیانند؟ آنحضرت (ص) فرمود:

«علی و فاطمه و اولاد آندو»

«علی و فاطمه و اولاد آندو»

«علی و فاطمه و اولاد آندو»

این سخن را سه بار فرمود.^۴

۳. ینابیع الموده/۵۱۴

۴. شواهد التنزیل/۲/۱۳۲

مؤلف: با توجه به اینکه امام مهدی — علیه السلام — از اولاد علی و فاطمه^۵ می باشد، لذا این آیه شامل امام مهدی — علیه السلام — میشود و آنحضرت علیه السلام نیز از کسانی می باشد که این آیه در شأن آنان فرود آمده است.

۵. احادیث شریفه در این زمینه که امام مهدی علیه السلام فرزند علی و فاطمه — علیهما السلام — می باشد، فراوان است.

سورة زخرف

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

الزخرف / ۶۱

و او علمی است (نشانه ای است) برای ساعت، پس در آن شک نکنید و
مرا پیروی کنید، این است صراط مستقیم.

علامة سیوطی «فقیه شافعی» در تفسیر خویش گفته است:
وز یابی و سعید بن منصور و مسدر و عبد بن حمید و ابن ابی حاتم و
طبرانی - به طرقی -، از ابن عباس (رضی الله عنهما) در مورد قول
خداوند متعال «و انه لعلم للساعة» روایت کرده اند که گفت:
مقصود خروج عیسی قبل از روز قیامت می باشد.

و عبد بن حمید و ابن جریر از حسن (رض) [در مورد قول
خداوند متعال] «و انه لعلم للساعة» روایت کرده اند که گفت:
«مقصود فرود آمدن عیسی است»^۱ و این روایت را سید حنفی حافظ
سلیمان قندوزی از «اسعاف الراغبین» تألیف دانشمند حنفی محمد

صبان مصری نقل کرده است که گوید: مقاتل بن سلیمان و مفسرانی که از او تبعیت نموده اند، در مورد قول خداوند متعال: «وَأَنَّهُ لَعَلَّمُ لِلسَّاعَةِ» گفته اند که در شان مهدی نازل شده است.^۲

مولف: با توجه بروایات متواتر ثابت شده است که نزول عیسی بن مریم بهنگام ظهور قائم مهدی علیه السلام می باشد و عیسی^۱ پشت سر مهدی نماز می گزارد. بخاری در صحیح خود از ابوهریره گفتار نبی اکرم (ص) را روایت کرده است که می فرماید: «چگونه باشید وقتی که پسر مریم میان شما فرود آید و امامتان از خودتان باشد.»^۳

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

الزخرف / ۶۶

آیا جز ساعت را چشم براهند که ناگهان بر آنها فرارسد، در حالیکه آگاه نیستند.

حافظ قندوزی «حنفی» در مورد قول خداوند متعال: «هل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة وهم لا يشعرون» از زرارة بن اعین روایت کرده است که گوید: از امام باقر [سلام الله علیه] درباره این آیه پرسیدم، در پاسخ فرمود: آن، ساعت قائم است، ناگهان آنرا فرارسد.^۴

مولف: منافاتی میان تفسیر «ساعت» به قیامت، و تأویل آن به ساعت «قائم» علیه السلام نیست، که قرآن را تفسیری است و تأویلی و دانایان تأویل آن، همانا اهل بیت - علیهم السلام - می باشند.

۲. ینابیع الموده / ۴۷۰، اسعاف الراغبین (در حاشیه نورالابصار) / ۱۴۰

۳. صحیح بخاری / ۱۵۸ / ۲

۴. ینابیع الموده / ۵۱۳

سورة دخان

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ * يَغْشَى النَّاسَ هَذَا
عَذَابٌ أَلِيمٌ * رَبَّنَا اكشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ * أَنَّى هُمْ
الذَّكِرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ

الدخان / ۱۰-۱۳

پس چشم براه باش روزی را که آسمان دودی آشکار آورد * مردم را فراگیرد، این عذابی دردناک است * پروردگارا عذاب را از ما برطرف ساز، که ما ایمان خواهیم آورد * چگونه امکان دارد اینان متذکر شوند (و ایمان آورند) درحالیکه رسولی (با حقایقت) آشکار ایشانرا بیامد (وبه او نگرویدند)

علامه «شافعی»؛ سیوطی، در تفسیر خویش گفته است، ابونعیم از وهب بن منبه — در ضمن حدیثی که در آن علائم ظهور ذکر می شود — روایت کرده است که گفت: «وینجمین [علامت] دخان (دود) است»^۱

و نیز هم او گفته است: ابن مردویه از ابوهریره (رض) روایت کرده است که گوید: رسول خدا [صلی الله علیه وآله وسلم]

فرمود:

«پیش از ساعت [این علامات] خواهند بود: دجال، و دابّه (جنبنده)، و یاجوج و ماجوج، و دخان (دود)، و سرزدن خورشید از محل غروب خویش»^۱

مؤلف: در این معنی روایات فراوانی (در حد استفاضه) وجود دارد که چون شیوه ما در این کتاب اشاره است و نه گردآوری همه احادیث، بهمین اندازه بسنده می کنیم. و میان اینکه «دخان» هم در قیامت بیاید و هم در ظهور مهدی علیه السلام، منافاتی نیست.

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُ وَالَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا
كَانُوا يَكْسِبُونَ

الجاثیه/ ۱۴

بگوبه آنان که ایمان آوردند، بگذرند و روی گردانند از کسانی که ایام
خدا را امید ندارند، تا (خدا) جزا دهد قومی را به سبب آنچه مرتکب
می شدند.

حافظ قندوزی «حنفی» به اسناد خود از [امام جعفر] صادق
[سلام الله علیه] روایت کرده است که فرمود:
ایام خدا که مورد امیدند، سه روزند:
روز قیام «قائم» مهدی
و روز رجعت (یوم الکره)
و روز قیامت^۱

سوره محمد (صلی الله علیه وآله)

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا
فَأَنى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ

محمد (ص) / ۱۸

پس آیا جز ساعت را انتظار دارند که ناگهان بر آنان فرارسد. پس نشانه های آن آمده است. پس چه (سودشان بخشد) یاد آوردن ایشان (حق را) آنگاه که (ساعت) بر آنان آید.

سیوطی «شافعی» در تفسیر این آیه، از ترمذی، و نعمیم بن حماد، از ابوهریره روایت کرده است، که گوید: رسول خدا [صلی الله علیه وآله وسلم] فرمود:

«در آخر الزمان بلای شدیدی برامت من از جانب سلطان خود نازل خواهد شد، تا آنجا که عرصه بر آنان تنگ شود، پس خدا مردی را از عترت من برانگیزد [و او پس از قیام خویش] زمین را، چنانکه پر از ظلم و جور شده است، از قسط و عدل آکنده سازد، ساکنان آسمان و ساکنان زمین از او خشنود گردند، الخ»^۱

و در حدیث ابن ماجه و حاکم از توبان، از رسول خدا
 [صلی الله علیه و آله و سلم] نقل شده است که فرمود:
 «او خلیفه خدا، مهدی است»^۲

سیوطی گوید: مسلم [در صحیح خود] و حاکم [در
 مستدرک خویش] از ابوهریره (رض) از رسول خدا [صلی الله علیه و
 آله و سلم] روایت کرده اند که فرمود: آیا از وجود شهری که پهلویی
 از آن در خشکی و پهلویی از آن در دریا است خبر دارید؟ پس
 گفتند: آری، ای رسول خدا، فرمود: ساعت برپا نشود تا آن زمان که
 هفتاد هزار از بنی اسحاق به آن شهر حمله کنند. تا اینکه وقتی به
 آنجا رسند فرود آیند و با سلاح پیکار نکنند و تیری نیندازند و گویند
 «لا اله الا الله و الله اکبر» پس یکی از دو طرف شهر سقوط کند،
 سپس برای بار دوم گویند «لا اله الا الله و الله اکبر» پس سوی دیگر
 آن نیز سقوط کند. سپس برای بار سوم گویند: «لا اله الا الله، و الله
 اکبر» پس [تمامی آن] برای آنان گشوده شود و بدان درآیند [تا آنجا
 که گوید]:

حاکم گفته است: «گفته میشود که این شهر قسطنطنیه
 است. و اینکه فتح آن همراه با قیام ساعت است سخن صحیحی
 است.»^۳

مؤلف: اینها همگی از علائم «حجت قائم» علیه السلام
 است: یاری جویی از رعب و هراس، بدون جنگ، و فتح قسطنطنیه.
 و این آیه کریمه از اشاراتی است که به ظهور مهدی منتظر علیه السلام
 شده است.

۲. الدر المنثور/۶/۵۸

۳. الدر المنثور/۶/۵۹

و پوشیده نیست که «ساعت» در این حدیث نمی تواند
بمعنی قیامت باشد، زیرا با برپا شدن قیامت فتحی و جنگی نیست
و جز این نیست که مقصود از آن قیام «قائم» علیه السلام است که
فتح قسطنطنیه — چنانکه در بسیاری از احادیث شریفه آمده است —
بهنگام آن خواهد بود.

لَوْ تَرَىٰ يُلَوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً

الفتح/۲۵

اگر جدا می گشتند، آنانرا از ایشان که کفر ورزیدند به عذابی دردناک معذب می ساختیم.

حافظ قندوزی سلیمان «حنفی» گوید: از [امام] جعفر صادق [سلام الله علیه] در مورد قول خدای متعال: «لَوْ تَرَىٰ يُلَوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً» روایت شده است که فرمود: «خدا را مومنینی است که در صلب های اقوامی کافر و منافق ودیعه نهاده است و هرگز «قائم» ما ظهور نخواهد کرد تا ودایع خدا بیرون آیند، پس هنگامیکه بیرون شدند، آشکار شود و کفار و منافقین را بکشد.»^۱

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

الفتح/۲۸

اوست آنکه رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر تمامی ادیان

چیره اش گرداند.

دو علامه شافعیان «گنجی» و «شبلنجی» در دو کتاب خود «البیان» و «نورالابصار» گفته اند: در تفسیر کتاب، از سعید بن جبیر در تفسیر قول خدای متعال «لیظهره علی الدین کله...» آمده است که گفت: او مهدی است از فرزندان فاطمه — سلام الله علیها^۲ مؤلف: عین این عبارات در سه آیه از قرآن کریم — در همین سوره و دو سوره توبه وصف — وارد شده است، و ما به پیروی از قرآن ذکر آن را در هر سه جا ترجیح دادیم و در سوره توبه حدیثی را غیر از این روایت، از حافظ قندوزی «حنفی» — با شرحی در مورد بعضی قسمتهای آن — آوردیم، پس به آنجا رجوع کنید.

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ * يَوْمَ يَسْمَعُونَ
الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ

ق/۴۱-۴۲

و گوش فرا دار روزی را که منادی از مکانی نزدیک ندا دهد * روزی که
صیحه را به حق بشنوند، آن روز خروج است.

حافظ قندوزی «حنفی» از فرائد السمطين [تألیف فقیه
شافعی، حموینی] از حضرت علی بن موسی الرضا [سلام الله علیه]
— در ضمن حدیثی — روایت کرده است که آنحضرت در باره قول
خدا، عزوجل،: «یوم یناد المناد من مکان قریب» و «یوم یسمعون
الصیحه بالحق ذلك يوم الخروج» فرمود: مقصود خروج فرزندانم
«قائم» مهدی است.^۱

مؤلف: مراد اینست که دو آیه، هردو در شأن «قائم»
علیه السلام وارد شده اند و ندا برای او خواهد بود و خروج نیز.

سورة ذاریات

فَوَرَّبَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَنَّهُ لَحَقُّ مِثْلُ مَا أَنْكُمْ تَنْطِقُونَ

الذاریات / ۲۳

پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن حق است مانند سخن گفتن شما (که در آن شکی ندارد)

حافظ قندوزی «حنفی» گوید: از اسحاق بن عبدالله، از حضرت زین العابدین [علی بن حسین سلام الله علیه] روایت شده است که در باره قول خداوند متعال: «فَوَرَّبَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَنَّهُ لَحَقُّ» فرمود:

یعنی قیام «قائم ما» حق است «مثل ما انکم تنطقون»^۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَاَنْشَقَّ الْقَمَرُ

القمر/۱

بنام خداوند رحمان رحیم
ساعت نزدیک شد و قمر بشکافت.

حافظ قندوزی «حنفی» گوید: از مفضل بن عمر، از [جعفر بن محمد] صادق [سلام الله علیه] در مورد قول خداوند متعال: «اقتربت الساعة وانشق القمر» روایت شده است، که آنحضرت فرمود: ساعت، قیام «قائم» است و نزدیک است.^۱
مؤلف: بارها یادآور شدیم که میان تفسیر این آیه کریمه، گاهی به قیامت و گاهی به روز ظهور امام مهدی علیه السلام، تعارض و منافاتی نیست چرا که هر دو، روز حشری عجیب می باشند، قیامت حشر عمومی و همگانی است و روز ظهور، حشر فوجی از هر امت است.

يُعْرِفُ الْمَجْرَمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ

الرَّحْمَنُ / ۴۱

مجرمان به سیمای خویش شناخته شوند، پس موهای جلوی سر و قدم‌ها گرفته شود.

حافظ قندوزی «حنفی» گوید: از معاویه بن عمار از [حضرت جعفر بن محمد] صادق [سلام الله علیه] روایت شده است که آنحضرت در باره قول خدای متعال: «يُعْرِفُ الْمَجْرَمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ» فرمود: آنگاه که «قائم ما» قیام کند، دشمنان ما به سیمای خویش شناخته شوند، پس موهای جلوی سر و قدمهایشان گرفته شود و آنحضرت و یارانش با شمشیر آنها را بکشند.^۱

الحدید/۱۷

إِعلموا أَنَّ اللهَ يُحیی الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

بدانید که خدا زمین را پس از مرگش احیا می کند.

حافظ قندوزی «حنفی» گوید: از سلام بن مستنیر، از امام محمد باقر [سلام الله علیه] در باره قول خداوند متعال: «اعلموا أَنَّ اللهَ یحیی الارض بعد موتها» روایت شده است که فرمود:
 خداوند آنها را توسط «قائم» زنده می سازد، پس در آن عدالت کند و زمین را توسط عدل، پس از مردنش بواسطه ظلم، زنده سازد. ۱

.... اولئك حزب الله ألا إن حزب الله هم المفلحون

المجادلة / ۲۲

... آنانند حزب خدا، هشیار باشید که حزب خدا، هم آنان رستگارانند..

علامه حنفی حافظ قندوزی در «ینابیع» خود، به سند خویش که در همان کتاب ذکر شده است، از جابر بن عبد الله انصاری، از رسول خدا [صلی الله علیه و آله] حدیثی طولانی روایت کرده است که در ضمن آن است: او به مهدی و قائم و حجت خوانده میشود. او غیبت گزیند، سپس خروج کند، پس آنگاه که خروج نماید. زمین را، همانگونه که پراز جور و ستم شده است، مالا مال از عدل و داد، گرداند. خوشا به صبر پیشگان و شکیبایان در دوران غیبت او. خوشا به پایداران بر محبت ایشان [یعنی حضرت مهدی و سایر ائمه اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین] آنانند کسانی که خداوند در کتاب خویش وصفشان نموده، فرموده است: «هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب» و نیز فرموده: «اولئك حزب الله ألا

إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱

مؤلف: مقصود این است که ایمان به امام مهدی و صبر و پایداری به انتظار او، در دوران پنهانی اش، و پابرجایی در محبت وی از شرایط و ویژگیهای «حزب الله» است و نیز از شرایط فلاح و رستگاری، و در نتیجه از شرایط ایمان به خدا و رسول (ص) است، چرا که مومنان هستند که رستگاران باشند و به فلاح دست یابند.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ
كَلِمَةً وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

صف/۹

و اوست آنکه رسول خویش را با هدایت و دین حق فرستاد تا چیره گرداندش بر تمامی ادیان، اگرچه مشرکان ناخوش دارند.

حافظ قندوزی حنفی به سند خود از امام جعفر صادق سلام الله علیه، در مورد قول خداوند متعال «هو الذی ارسل رسوله...» روایت کرده است که فرمود: بخدا قسم تا ویل آن نمی آید تا زمانیکه قائم مهدی علیه السلام قیام کند، پس هنگامیکه قائم خروج کند مشرکی بجای نماند مگر آنکه قیام او را ناخوش دارد و کافری نماند مگر آنکه کشته گردد. تا آنجا که اگر کافر در شکم صخره ای باشد آن صخره خواهد گفت: ای مؤمن در درون من کافری است پس مرا بشکن و او را بکش»^۱

مؤلف: از آنجا که این آیه عیناً، سه بار در قرآن تکرار شده است، به پیروی از قرآن کریم، آنرا در هر سه موضع ذکر کردیم. شرح مختصری برای این حدیث شریف در آیه ۳۳، از سوره توبه گذشت، پس بدانجا رجوع فرمائید.

فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنَّوْرِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

التغابن / ۸

پس ایمان آرید به خدا و رسول او و نوری که فرود آوردیم. و خدا بدانچه کنید آگاه است.

علامه قیسی نقل کرده، گوید:

حافظ ابوجعفر محمد بن جریر طبری متوفای «۳۱۰» در کتاب «الولاية» به اسناد خود، از زید بن ارقم روایت کند، که گفت:

هنگامیکه پیامبر [صلی الله علیه و آله و سلم] بهنگام بازگشت از حجة الوداع در غدیر خم فرود آمد — در حالیکه ظهر بود و گرما شدید بود — به حرکت به سوی درختان بزرگ و پرشاخ و برگ فرمان داد، پس ایستادم، و ندا داد: «نماز جماعت» پس گرد آمدیم و آنحضرت خطبه بلیغی خواند — و ذکر خطبه را آغاز می کند، تا آنجا که گوید — فرمود:

ای مردم، «امنوا بالله ورسوله و النور الذی انزلنا»، سپس فرمود: نور درمن است، سپس در علی است، و بعد در نسل وی باشد، تا قائم مهدی.^۱

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أضعفُ ناصراً وَاقلُّ
عَدَداً

الجن / ۲۴

تا وقتی که ببینند آنچه را وعده داده میشوند، پس بزودی بدانند که چه کسی از حیث یارناتوانتر و از حیث عدد کمتر است.

حافظ قندوزی گوید: از محمد بن فضیل از حضرت علی بن حسین [زین العابدین، سلام الله علیه] در مورد قول خدای متعال: «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أضعفُ ناصراً وَاقلُّ عَدَداً» فرمود: «ما یوعدون» (آنچه وعده داده میشوند) در این آیه «قائم» مهدی و اصحاب و یاران او یند. و دشمنان او، هنگامیکه «قائم» ظهور کند، یارانشان ضعیفتر و عددشان کمتر است.^۱

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ فَذَلِكَ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ

يَسِيرٍ المدثر/ ۸-۱۰

پس آنگاه که در صور دمیده شود، پس آن در آنهنگام روزی سخت خواهد بود، بر کافران سهل نخواهد بود.

حافظ قندوزی «حنفی» گوید: از مفضل بن عمر، از [امام] جعفر صادق [سلام الله علیه] در باره قول خداوند متعال: «فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ، فَذَلِكَ يَوْمٌ عَسِيرٌ، عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ» روایت شده است که فرمود:

وقتی که در گوش «قائم» اذن و اجازه قیامش ندا داده شود، پس قیام کند. و آنروز بر کافران سخت باشد.

[امام صادق علیه السلام] فرمود: پاره‌ای از قرآن امثال (اشارات و کنایات) است و ما آنرا میدانیم و غیر ما آنرا نداند.^۱
مولف: مراد، ابعاد قرآن و بواطن و مقاصد دور آن باشد. و

نمی دانند آن را مگر اهل بیت که خداوند از آنان هر رَجَسِ و پلیدی را زدوده است، حتی رَجَسِ جهل به امور را، و آنانرا کاملاً پاک و مطهر فرموده است از هر کاستی و نقصی، حتی جهل و نادانی. پس آنانند راسخون در علم که تأویل قرآن و باطن آنرا — چنانکه در بسیاری از احادیث شریفه آمده است — می دانند.

۴۵.

سورة تکویر

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ

التکویر/۱۵

پس سوگند یاد نکنم به بسیار پنهان شونده

حافظ قندوزی «حنفی» گوید: از هانی از امام باقر [سلام الله علیه] در مورد قول خدای تعالی: «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ» روایت شده است که فرمود: خُنَّس امامی است که پنهان شود، یعنی در سال دو یست و شصت از حالت ظهور به غیبت و پنهانی باز گردد، سپس مانند شهاب درخشنده آشکار شود.^۱

مؤلف: «خنس» به معنی اختفاء و پنهانی است و تفسیر آیه در باره ستارگانی است که بهنگام اختفای آنها بعضی از آنها پنهان شوند و تاویل آیه در مورد امام مهدی علیه السلام است، چرا که آنحضرت، چون خداوند به اختفا فرمانش دهد، پنهان شود، و چون خدا فرمان ظهورش دهد، مانند شهاب درخشان آشکار گردد. و این

حدیث شریف از معجزات امام باقر و خبر دادن آنحضرت از مغیبات
 (امور پنهانی) می باشد، زیرا غیبت سال ۲۶۰ هجری — یعنی
 بیش از صدسال بعد از درگذشت امام باقر علیه الصلوة والسلام، واقع
 شد.

سوره بروج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ

البروج/۱

بنام خداوند رحمان رحیم
سوگند به آسمان دارای بروج (وضعیت های مختلف فلکی)

حافظ سلیمان قندوزی «حنفی» گوید: از اصبع بن نباته از ابن عباس (رض) درمورد قول خدای تعالی «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ» روایت شده است که گفت: رسول خدا [صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ] فرمود:

آسمان منم، و اما برجها پس امامان از اهل بیت و عترت من باشند. اولین آنان علی است، و آخر ایشان مهدی، و آنان دوازده تن اند.^۱

أهم مصادر كتاب

- | | |
|-------------------------|-------------------------------|
| الشيخ عطية صقر | تقديم (القرآن القول الفصل) |
| محمد العفيفي | القرآن القول الفصل |
| الخطيب الاسكافي | درة التنزيل وغرة التأويل |
| تاج القراء الكرمانى | أسرار التكرار في القرآن |
| العلامة الزركشي | البيان في علوم القرآن |
| الامام الغزالي | احياء علوم الدين |
| ابن القيم | إعلام الموقعين عن رب العالمين |
| القاضي الباقلاني | إعجاز القرآن |
| السيد رشيد رضا | الوحي المحمدي |
| ● مصطفى صادق الرافعي | اعجاز القرآن والبلاغة النبوية |
| الشيخ محمد عبدالله دراز | دستور الاخلاق في القرآن |
| ابو بكر الحصاص | إحكام القرآن |
| الحافظ السيوطي | الاتقان في علوم القرآن |
| للبحراني | غاية المرام |
| للحمويني (الشافعي | فرائد السمطين |
| للخاوارزمي (الحنفي) | مقتل الحسين |
| (ابن خلدون) | المقدمة |
| لعلي بن أبي بكر الهيثمي | مجمع الفوائد ومنبع الفوائد |
| (الشافعي) | |
| لمحمد بن عيسى الترمذي | (الجامع الصحيح) |

للبخاري	الجامع الصحيح
لمسلم بن الحجاج القشيري	الجامع الصحيح
للسلمى الشافعي الدمشقي	عقد الدرر
للحاكم الحسكاني (الحنفي)	ينابيع المودة
للحافظ القندوزي (الحنفي)	شواهد التنزيل
لابن الصباغ (المالكي)	الفصول المهمة
للسيوطي (الشافعي)	تفسير الدر المنثور
للمؤمن الشبلنجي (الشافعي)	نور الابصار
للبحراني	تفسير البرهان
النيسابوري	تفسير
للمتقي الهندي (الحنفي)	كنز العمال
للكنجي (الشافعي)	البيان
لعبيد الله الهندي (الحنفي)	أرجح المطالب
لجلال الدين السيوطي	العرف الوردي
(الشافعي)	
لابن ماجة	السنن
لاحمد بن حنبل	المسند
للعلامة المناوي	كنوز الحقائق
للمتقي الهندي (الحنفي)	البرهان
لابن العربي	شرح الصحيح الترمذي
لابي داود السجستاني	سنن المصطفى
للعلامة القيسي	ماذا في التاريخ